۱۶

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
خطی
۱۸۸۸۳

۱۸۸۸۳
۲۱۰۰۴۸

کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب مجموعه: فروع دین، منتخب المطلب و...
مؤلف محمد ابراهیم کلباسی، داسحاق [illegible] مازندرانی
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۸۸۸۳
شماره ثبت کتاب ۲۱۰۰۴۸

بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام
علی اشرف الاولین محمد وآله الطاهرین
چنین گوید اعلم العلماء حاجی محمد
ابراهیم سلمه الله تعالی که این مختصریست
در فروع دینیه وآن مشتمل است بر چند
مقصد در مقدمات نمازست وآن
ششست ازاله نجاست ازجامه وبدن

وقت شناختن قبله شناختن
مکان شناختن لباس غصبی شناختن
پوشیدن عورتین مقارنات نماز
هشتست نیت قیام متصل برکوع
تکبیرة الاحرام رکوع سجود
وجوب غیر رکن سه چیزست قرائت
تشهد سلام فرق میان رکن وغیر رکن
اینست که اخلال برکن از روی عمدا وسهوا
نماز باطلست وغیر رکن عمدا باطلست نه سهوا

شرط وضو هفت اول نیت دوم
شستن وجه سیم شستن دو دست است
از مرفق چهارم مسح سر است از پیش و مقدار
سه انگشت پنجم مسح دو پشت پاهاست
تا بندی پشت پاها ششم ترتیب هفتم
موالات مکرر در وضو وان سه قسم
است شک در وضو و یقین در حدث
باطل شک در حدث و یقین در وضو
صحیح و یقین در هر دو باطل فصل در بیان

شکیات

شکیات نماز است و آن باطل است مگر
در هشت موضع اول شک میان دو و سه
پیش از اکمال باطل بعد از اکمال صحیح بنا را بر سه
گذارد و برخیزد یک رکعت بجا آورد و نماز را
سلام دهد و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده
بجا آورد و احتیاط نماز را اعاده کند دوم
شک در میان سه و چهار پیش از اکمال
و بعد از اکمال صحیح بنا را بر چهار گذارد دو
رکعت نماز احتیاط نشسته بجا آورد سیم

شک در میان دو و چهار پیش از اکمال
باطل و بعد از اکمال صحیح بنا را بر چهار گذارد
و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد
چهارم شک در میان دو و سه و چهار پیش
از اکمال باطل بنا را بر چهار گذارد و دو رکعت نماز (بعد از اکمال)
احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته بجا
آورد پنجم شک در میان چهار و پنج پیش
از اکمال باطل بعد از اکمال بنا را بر چهار
گذارد و نماز را سلام دهد و بعد از سلام

دو

دو سجده سهو بجا آورد و اگر در حال قیام
است بنشیند و سلام دهد و یک رکعت نماز
احتیاط ایستاده بجا آورد و دو سجده سهو
از جهت قیام احتیاط بجا آورد و احتیاط
اعاده نماز است ششم شک در میان سه
و پنج در حال قیام بنشیند این شک در میان
بر میگردد به شک میان دو و چهار دو رکعت
نماز احتیاط ایستاده و بعد دو سجده سهو
نیز احتیاطا بعمل آورد هفتم شک میان

سه وچهار وپنج در حال قیام بنشیند این
شك بر میکردد بحکم شك میان دو و سه
وچهار وآن کذشت ودو سجدهٔ سهو نیز
لاحتیاط انجا اورد هفتم شك میان پنج و شش
است در حال قیام بنشیند وتشهد بخواند
وسلام بکوید ودو سجدهٔ سهو بکند یکی از
برای انکه این شك در میانهٔ چهار
وپنج است که کذشت دران دو سجدهٔ سهو است
واحتیاط بجهت زیادتی قیام ودر غیر چهار

صورة

صورة نماز را اتمام کند واعاده نماید در بین
نماز شك کند اعتباری ندارد دو سجدهٔ
سهو در پنج جا واجب است اول سلام بیجا
دویم کلام بیجا سیم تشهد فراموش شده
چهارم سجدهٔ فراموش شده یعنی یك سجده
پنجم شك میان چهار وپنج بعد از اکمال
سجدتین وذکر سجدهٔ سهو این است که
بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد وال محمد
ودر دو جای از پنج جا اجزای فراموش شده

را باید بجا اورد تشهد خفیفه باید خواند
ونماز احتیاط که مذکور شد دو رکعت است
وان سوره وقنوت ندارد باب در قصر است
در نماز چهار رکعتی است بترك نمودن
دو رکعت اخر است اول انکه سفر بقدر هشت
فرسخ باشد دویم انکه مسافر قصد مسافت
هم داشته باشد سیم انکه قصد مسافت
را مستمر بدارد تا منتهی شود سفر او
چهارم انکه جمع نکند با قصد مسافت

عزم

عزم بر ماندن ده روز را در اثنای
مسافت نکند واکر قصد کند تمام باید
بکند پنجم انکه بنوده باشد از کسانیکه
خوانه او همراه او باشد از قبیل اعراب
بری از ایلات ومکاری وسلوبان
وتاجر وصاحب صنعت ششم انکه سفر او
حرام نباشد مثل فرار از جهاد وکریختن
غلام یا سفر از برای ضرر مسلمین ودز
دیدن مال ایشان واعانت ظالم ضرر نما

ردد دربین سفر اگر اتفاق افتد هفتم آنکه
دور شود از دیوار که نشنود صدای موذن
ونه ببیند دیواران بلد را که تمیز دهد
بدانکه نماز کسوف وخسوف وزلزله وبا
قی آیات بر مطلق ذکور واناث بگرفتن
تمام قرص یا بعض آن دو رکعت است در
هر رکعت پنج رکوع ودو سجود است واگر
واگر خواهد حمد وسوره را تمام کند میان
سوره وقنوت در پنج جا است آیه دویم

چهار

چهارم در رکعت اول وسه قنوت در رکعت
ثانی آیه اول سیم پنجم واگر شک کند در رکوع
وقنوت بنا را بر اقل گذارد ودر بیان غسل بدانکه
غسل عبارت است از شستن ظاهر جمیع
بدن وشستن مو واجب نیست وشستن
ظاهر بدن یا بارتماس است یا بترتیب مراد
بارتماس فرو رفتن باب است یکدفعه بحسب
عرف وضرور نیست بیرون آوردن جمیع بدن
از آب واگر تا زانو یا کمتر باشد صحیح است غسل

لکن احوط اخراج از آب است ودر ترتیب
پنج چیز شرط است اول نیت دویم شستن سر
سیم شستن دوش راست چهارم شستن دوش
چپ پنجم ترتیب وغسلی که برمرد واجب است
سه غسل است غسل جنابت وغسل میت
ومس میت بعد از سرد شدن میت ووضو
وغسل هر یک واجب لغیره است باین معنی
که اگر وقت نماز است غسل وانیت واجب باید
کرد واگر نه سنت است باین طریق که غسل

جنابت

جنابت میکنم سنت قربة الی الله مگر آنکه
غسل میت که او واجب لذاته است باب
پنجم سبب تیمم یافت نشدن آب است
بجهت وضو وغسل وآن بچند چیز است
اول نداشتن آب است بقدر وضو یا غسل
دویم ترسیدن باب بسبب ترس از دزدها
کان یا درد دادن بجهت مال یا جان سیم
برسد از استعمال آب بر تلفی یا حادث شدن
مرضی یا طول ناخوشی یا صعب شدن آن

فصل در انچه بان تیمم میتوان کرد خاک خا
لص والا بر زمین و سنك و غبار رخت نمد
و یال اسب واجب است زدن دو کف دست
باهم در صورتیکه ممکن باشد و هر دو کف
پهن باشد واجب است مسح کردن پیشانی
از رستنگاه موی سر تا بطرف بالای دماغ
بباطن هر دو دست بایك دیگر و احوط
علاوه نمودن جبین است که در طرف پیشا
نی است و همچنین علاوه نمودن ابروها با

ممکن

ممکن نبودن بباطن بظاهر نیز جایز است
و در عدد زدن بر زمین خلافست و اظهر
کفایت نمودن یکدفعه زدن است بدل هر
یك از وضو و غسل هر چند احوط دو دفعه
زدن است از برای غسل و واجب در تیمم
ترتیب نجاسات دوازده است اول بول
دویم غایط است سیم منی چهارم خون
اگر بقدر درهم است معفو است در نماز
بخلاف خون حیض و استحاضه که مطلقا

باعث بطلان نماز است درهم ناخن انگشت
انگشت ابهام است پنجم سگ ششم خوك
هفتم میته است از حیوان که نفس سائله
داشته باشد هشتم کافر است نهم مسکر
دهم فقاع یازدهم عرق جنب دوازدهم عرق
شتر جلال مطهرات دوازده است اول آب
دوم آفتاب سیم زمین چهارم استحاله
پنجم اسلام ششم نقص هفتم انتقال
سنگ و کهنه هشتم استبرا از منی و بول نهم

بر طرف

بر طرف شدن نجاست از بدن حیوان
یازدهم بیرون آمدن خون از محل ذبح و غیره
دوازدهم غایب شدن فصل در شرایط روزه
چند چیز است اول بلوغ دویم عقل سیم
سلامتی از مرض چهارم اغما پنجم اسلام
در بیان انچه باید ازان امساك کردن
ده چیز است اول اکل دویم شرب سیم جماع
چهارم کذب بر خدا و رسول و ائمه پنجم
ارتماس ششم رسانیدن غبار بحلق

هفتم تی کردن هشتم استمنا نهم احتقان
بمایع است دهم بقای بر جنابت است آنچه
مذکور شد که مبطل روزه است در
وقتی که عمداً و اختیار باشد پس هرگاه
نسیاناً فعل مفطری بعمل آورد روزهٔ او
باطل نمیشود اجماعاً نه جنس است که زکوٰة
واجب میشود اول طلا هرگاه یکسال بماند
و مسکوک هم باشد چهل اشرفی یکی باید داد
که مجموع چهل یک باشد دوم نقره است که

مسکوک

مسکوک باشد یک سال بحال خود بماند
چهل یک یکی باید داد سیم شتر است
پنجم شتر یک گوسفند و همچنین ده که شتر
دو گوسفند و همچنین تا برسد به بیست
شش شتر یک شتر ماده یکساله یا دو سا
له بدهد سی شش یکی و چهل شش یکی چهار
ساله بدهد و همچنین تا صد و بعد هر پنجا
یکی باید داد دوم گاو است در هر سی گاو یک
گوساله یکساله یا دوساله باید داد سیم

گوسفند است در چهل یک یکی در صد
و بیست یکی دو تا باید داد بعد صد عدد یکی
باید داد و گندم و جو و خرما و مویز است
و حد ایشان هفتاد و پنج من ده من باید
داد مستحق زکوٰة هشت طایفه اند اول
فقراء دوم مساکین سیم کسی است که امام
نصب کرده باشد برای گرفتن زکوة چهارم
مؤلفة القلوب پنجم در آزادی بنده ششم
مدیون هفتم فی سبیل الله است هشتم وابن السبیل

در خمس

در خمس بدانکه خمس در هفت چیز واجب میشود
اول غنیمتی که در جنگ بگیرند از کفار دوم
معادن است سیم گنج است چهارم غواص است از
دریا میکنند پنجم زیادتی مؤنه سال است
ششم زمینی که یهود و نصرانی از مسلمان بخرند
خمس آن زمین را یا خمس قیمت آنرا با رضای
ذمی میکنند هفتم مال حلالی که مخلوط
شده باشد بحرام و صاحب آنرا نداند و مقدار
حرام را نداند خمس آنرا میدهد بفقرای سادات

بسم الله الرحمن الرحیم من یتوکل علی الله کفاه مهما مهماته
دعای استخاره کردن

بسم الله الرحمن الرحیم

و به نستعین

الحمد لله رب العالمین والصلوة علی افضل المرسلین محمد
وعترته الطاهرین اما بعد چنین گوید اسحق بن
علینقی رکن مازندرانی که درین وقت بخاطر فاتر این حقیر
فقیر قلیل البضاعه که مجملی از واجبات ومندوبات
نمازهای واجبی وسنتی وبعضی از اعمال ایام ولیالی
شریفه ماه رجب وشعبان وماه مبارک رمضان
واحکام اموات از حال احتضار الی آخر کار وبرخی
از سؤال وجواب فرایض خمسه از مقدمات ومقارنات
ومنافیات نماز ونوافل شبانه روزی وپاره از شکیات
وسهویات نماز بحکم اند وسایر علوم دینی ودنیوی
ازخمس

۲۲ کسیکه توکل بر خدای تعالی کفایت میکند مهمات او را خوبست
ازخمس وزکوة وغیر از مستحبات از قنوت ومندوبات وتعقیبات که اغلب
اوقات بآن احتیاج ودرکار میباشد از کتب فقهای امامیه اثنی عشریه
استخراج ونموده باختصار درین رساله وجیزه منتخبه ایراد ومرقوم
نماید که در وقت ضرورت نهایت سهولت بهم رساند وطالب رسیده
عائده خلایق از برکات آنها منتفع وبهره مند شوند شاید که این بنده را گاه
بدعای مغفرت یاد نمایند ومسمی کردانیدم آنرا بمنتخب المطالب والله
الموفق والمعین وابواب آن بعدد ترتیب وتفصیل اینست
درمقدمات نماز بدانکه شش چیز است که مقدمات نماز واجبست که بعمل
آورده شود هرگاه یکی از اینها را بعمد یا سهوا ترک کند نماز باطل خواهد بود
طهارت یعنی وضو وغسل وتیمم که نماز بدون اینها درست نخواهد
بود واحکام هریک از این سه چیز ان شاء الله عنقریب بتفصیل مذکور
خواهد شد ازاله نجاست از رخت وبدن ستر عورتین
یعنی مرد را در حین نماز پوشیدن قبل ودبر کافیست برخلاف زن

لا تحمل فانما عزمت الله معک

که کل اعضای خود را کم زند و پیشانی را که در حال نماز باز بگذارد و اگر زن باشد پوشیدن سر و مو بر او واجب است ملاحظه نمودن وقت نماز ملاحظه نمودن مکان نماز غصبی و نجس نباشد تحقیق نمودن قبله در مقارنات نماز بدانکه مقارنات نماز هشت جزء است نیت تکبیر احرام قرائت قیام رکوع سجود تشهد تسلیم یعنی سلام دادن در منافیات نماز و آن بیست و پنج امر است اوّل حدث کردن در اثنای نماز خواه از روی عمد واقع شود خواه از روی اضطرار پشت بقبله کردن هرگاه وقت باقیست اعاده نماید والا نماز صحیح است فعل کثیر در نماز بعمل آوردن بحیثیتی که در عرف او را مصلی نگویند اگرچه سهوا باشد سکوت طویل کردن چنانکه در عرف او را مصلی نگویند بخاطر نداشتن عدد رکعات نماز شک کردن

در دو رکعت

تحمل مکن در آنچه عزم کرده که خدای تعالی با تو است

۳۳ در دو رکعت اوّل از چهار رکعتی و نماز مغرب و صبح رکنی از ارکان خمسه نماز که آن نیت و تکبیر احرام و قیام و رکوع و سجود است زیاده و کم کردن اگرچه از روی سهو باشد یک رکعت یا زیاده از نماز فراموش کردن و بخاطر نیامدن تا وقتی که در ما بین امری صادر شود که نماز با آن باطل شود خواه عمدا واقع شود و خواه سهوا در نماز چهار رکعتی یک رکعت سهوا زیاده کردن بشرط آنکه در رکعت چهارم بمقدار تشهد نشسته باشد که هرگاه نشسته باشد هرچند که تشهد نخوانده باشد نماز او صحیح است بخاطر نداشتن دو رکعت اوّل از چهار رکعتی را کلّ نماز را پیش از وقت بجا آوردن امّا اگر بگمان آنکه وقت داخل شده در اثنای نماز وقت داخل شود در انصورت نماز او صحیح است در مکان غصبی و نجس نماز گذاردن اگر کسی از نماز بداند که مکان او درخت و فرش غصبی است و نجس بوده امّا فراموش

لا تعجل فیما عزمت فانّ الصبر راحة

نموده نماز کرده باطل خواهد بود فرض که شخص باید بوده در صورت بتوه و دو مده سهتی کوتاهی نموده نماز او درست نخواهد بود با تقیه عمدا بطرق گشادن دست بسته نماز کردن عمدا تکلم کردن بغیر قرآن و دعا عمدا قهقهه خندیدن عمدا از برای امور دنیا گریه کردن اگرچه رکن نباشد اگر از روی جهل مسئله مراعات جهر و اخفات نماز ننماید صحیح است زیاده کردن واجبی از واجبات نماز اگرچه رکن نباشد عمدا انحراف فاحش از قبله کردن که بطرف پس یا راست رسد عمدا کشف عورت نمودن ممنوع است هرگاه طفلی در اثنای نماز کند ممنوع شرعی بود و بقدر طهارت دیگر وقت باشد هر تقدیر وقت باقی باشد آن نمازی که میکرد باطل و لازم است که نیت را واجب کرده نماز بگذارد عمدا خوردن و آشامیدن مگر در نماز وتر و صایم که از بسیاری گرسنگی و تشنگی تجویز بکند تمام طعام و تکلیم آب تنها سلام دادن بغیر محل گریه کردن موت مرد را در اثنای نماز

تعجیل مکن در آنکه قصد کرده بدرستیکه صبر راحت است در بدن بدست

۳۴ تطبیق است یعنی جفت کفهای دست خود را در رکوع میان رانها گذاشتن

باب چهارم در بیان نمازهای واجبی و سنتی بدانکه نمازهای واجب دوازده است اوّل نماز شبانروزی که آنرا یومیه خوانند دوم نماز جمعه سیم نماز عید ماه رمضان چهارم نماز عید ماه قربان پنجم نماز طواف خانه کعبه ششم نماز آیات یعنی کسوف و خسوف و زلزله و امر آسمانی که موجب خوف باشند مثل بادهای سیاه و سرخ و امثال آن هفتم نماز میت هشتم نمازیکه بنذر واجب شود نهم نمازیکه [illegible] کند واجب شود دهم نمازیکه بعهد واجب شود یازدهم نمازیکه باجاره واجب شود دوازدهم نمازیکه از پدر فوت شود بر پسر بزرگتر واجبست

امّا سنتها بسیار است از جمله نوافل شبانروز است و آن سی و چهار رکعت است بدین تفصیل اوّل نافله ظهر آن هشت رکعت میباشد هر دو رکعت بیک سلام چون زوال محقق شود وضو ساخته نیت کند که دو رکعت نافله ظهر میگذارم سنت تقرب بخدا و تکبیرة الاحرام

نافله ظهر

او انتو کلت علی الله تعالی تا استجیب لک

بگوید دیگر دو رکعت ... دعا بخواند اللهم انت الملک الحق
لا اله الا انت سبحانک انی عملت سوءا و ظلمت
نفسی فاغفر لی ذنبی انه لا یغفر الذنوب الا انت و بعد از آن
... دعا بخواند لبیک و سعدیک و الخیر فی یدیک
و الشر لیس الیک و المهدی من هدیت عبدک و ابن
عبدیک منک و بک و لک و الیک لا ملجأ و لا منجا منک الا الیک
سبحانک و حنانیک تبارکت و تعالیت سبحانک رب البیت
الحرام و بعد از آن ... دیگر بگوید این دعا بخواند وجهت وجهی للذی
فطر السموات و الارض عالم الغیب و الشهادة حنیفا مسلما
و ما انا من المشرکین ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب
العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین
و بعد از آن آهسته اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بگوید و بعد از
الحمد سوره قل یا ایها الکافرون در رکعت دوم بعد از حمد سوره قل هو الله
احد بخواند

شود چون ... گردد ... کعبه ... و در آن ... خواهد

... بگوید و بعد از سلام سه مرتبه تکبیر بگوید و تسبیح حضرت فاطمه زهرا
بخواند و بعد از آن بگوید اللهم ... فی رضاک ... فی رحمته
الی الخیر یا حبیبی و تجعل الایمان منتهی رضای و بارک لی
فیما قسمت لی و تبلغنی برحمتک کل الذی ارجوا منک و تجعل لی
... للدنیا و ... بعد از آن دو رکعت
دیگر بگزارد بطریقی که مذکور شد ... بعد از آن
... دو رکعت دیگر را نیز بطریقی ... و بعد از آن
... دو رکعت ... رکعت تمام شود
و بعد از آن ... بگوید مشغول شود نماز ظهر ... که مذکور خواهد شد
... رکوع و سجود ... بخواند
... در رکعت اول مغرب و بعد از صبح ... بخواند
... شود ... رکعت ...
... از مستحبات ظهر ... عصر ...

... سوره ...

... در رکعت ...
... در رکعت اول ...
... رکعت ...
... بگوید اللهم انه
لا اله الا انت الحی القیوم العلی العظیم الحلیم الکریم
الخالق الباری المحیی الممیت البدیء البدیع لک الحمد و لک
المن و لک الکرم و لک الجود و لک الامر وحدک لا شریک
لک یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له
کفوا احد ... و آله صل علی محمد و آل
... حاجت ... دو رکعت ...
اللهم رب السموات السبع و ما اظلت و رب الارضین السبع و ما
اقلت و ما ... و رب العرش العظیم و رب
جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و رب السبع المثانی و القرآن العظیم

... سوره ... خواهد ... از ... خدا ... بگوید ...

و رب ... و رب محمد خاتم النبیین
صل علی محمد و آل محمد اسئلک باسمک الاعظم الذی به تقوم
السموات و الارض و به تحیی الموتی و ترزق الاحیاء و تفرق
بین الجمیع و تجمع بین المتفرق و به احصیت عدد الآجال
و وزن الجبال و کیل البحار و اسئلک یا من هو کذلک
ان تصلی علی محمد و آل محمد ... حاجت خود ... دو رکعت
... بطریقی ... و بعد از آن ... بخواند اللهم انی
... عبدک ...
... لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه
من الغم و کذلک ننجی المؤمنین ... و هو عبدک
... و هو عبدک و انا عبدک
... ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تستجیب

الضر بجها عالمواهب لا دفع لي بحيله خيرا

لقد دعوك بادعائك يعقوب حتى لك اذ اشتد الامر به الى ولد
الى مستغيثا فانت وانت ارحم الراحمين فاستجبت له وكشفت
ما به من الضر والفته اهله مستقيم معهم فانا ادعوك دعائك وهو
عبدك وانا ادعوك وذلك يا الهي وسالك وهو عبدك وانا
اسالك وانا عبدك ان تصلي على محمد وال محمد وان تفرج
عني كما فرجت عنه وان تستجيب لي كما استجبت له وادعوك
يا دعاك به يوسف اذ فرقت بينه وبين اهله اذ هو في السجن
فاذا دعاك وهو عبدك وانا ادعوك وانا عبدك اسالك ما
وهو عبدك وانا اسالك وانا عبدك ان تصلي على محمد
وال محمد وان تفرج عني كما فرجت عنه وان تستجيب
لي كما استجبت له وتصلي على محمد وال محمد وفي ساعت نور عن
دو ركعت نماز وكر ... بخواند يا سين الصور را
تحيل ... القرح يا ... يا لحد يا بجر ... ولم ... الكريم
بالكرم

٢٢ يا كريم الصفح يا عظيم المن يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا با
سط اليدين بالرحمة يا منتهى كل نجوى يا منتهى كل شكوى يا مبتدئا
بالنعم قبل استحقاقها يا ربّاه يا ربّاه يا سيّداه يا سيّداه يا غاية يا رباه
يا غاية رغبتاه يا ذا الجلال والاكرام اسالك بحق محمد وعلي
وفاطمة والحسن والحسين وعلي ومحمد وجعفر وموسى وعلي ومحمد
وعلي والحسن ومحمد صاحب الزمان سلام الله عليهم
اجمعين ان تصلي على محمد وال محمد وان تكشف كربي وتغفر ذنبي
وتعفو عني وتفرج غمي وتصلح شاني في ديني ودنياي وان لا تخزني
يوم تخزي فيه خائف بالنار ولا تفعل بي ما انا اهله بحقك
يا ارحم الراحمين بعد اذان و اقامت ... شود و بعد
... بعد از ان بگو استغفر الله الذي لا اله الا
هو الحي القيوم الرحمن الرحيم ذو الجلال والاكرام واسأله
ان يتوب علي توبة عبد ذليل خاضع فقير بائس مسكين

از اذ ... الهي ... ازيد
مستجير ... لا نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا حياة ولا نشورا
اللهم اني اعوذ بك من نفس لا تشبع ومن قلب لا يخشع
ومن علم لا ينفع ومن صلاة لا ترفع ومن دعاء لا يسمع اللهم اني اسالك يا رب
اليسر بعد العسر والفرج بعد الكرب والرخاء بعد الشدة اللهم ما
بنا من نعمة فمنك وحدك لا اله الا انت استغفرك واتوب
وسنت است كه بعد از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار كند و سوره
انا انزلناه في ليلة القدر را ده مرتبه و بعد از ان در تعقيب شكر
آورد و بطريقي كه قبل از اين مذكور شد و بايد كه اين دعا را كه بعد از نماز عصر
مستحب است بخواند اللهم اني توجهت اليك ... بجميعا
عليك وانا ... لا يفعل ... في مغفرتك ... اذ سوى
فضلك مستعينا بفضلك اذ تقول ادعوني استجب لكم فصل على
محمد وال محمد واقبل الي بوجهك وارحمني واستجب دعائي يا الله
العالمين ... چون وقت نماز مغرب ... شود ... بر قول
مشهور

... ٢٣
مشهور بر طرف شدن سرخي مشرق است تا بر طرف شدن شفق مغرب
و بايد كه ترك اذان و اقامت مغرب نكند زيرا كه جمعي از علماي شيعه
رضوان الله عليهم تا ... كه نماز مغرب باطل است اگر كسي عمدا
ترك اذان و اقامت كند و ... ميان اذان و اقامت بنشيند
... كسي ... كه در خون خود غلطيده باشد در خانه و
و بعد از سلام تعقيب گفتن ... تسبيح حضرت فاطمه زهرا گويد
بعد از ان برخيزد بنماز مغرب و بايد كه در ركعت اول را ... بعد
... دعا كه گذشت و بعد از حمد قل هو الله را ... و در
ركعت دويم انا انزلناه في ليلة القدر ... و اگر خواهد
در ركعت اول قل يا ايها الكافرون و در دويم قل هو الله احد
و اگر ... هر ركعت ... جائز است ... بخواند
... ميتوان كرد بعد از فراغ از تعقيبات دو ركعت اول ... مغرب
شروع كند ... در ركعت ... و در ركعت اول ... و در ركعت

الرحمة امور سعادة القبر و ... حلو البدن تا انجا

این چند آیه از سورهٔ حدید بعد از حمد بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
سبح لله ما في السموات وما في الارض وهو العزيز الحكيم
له ملك السموات والارض يحيي ويميت وهو على كل شيء
قدير هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بكل
شيء عليم هو الذي خلق السموات والارض في ستة ايام
ثم استوى على العرش يعلم ما يلج في الارض وما يخرج
منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو معكم اينما كنتم
والله بما تعملون بصير له ملك السموات والارض والى
الله ترجع الامور يولج الليل في النهار ويولج النهار في
الليل وهو عليم بذات الصدور پس ... بخواند و در رکعت دوم
آخر سورهٔ حشر لو انزلنا هذا القرآن على جبل لرأيته خاشعا متصدعا
من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون
هو الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم

هو

موثر شود و در کارها شک ... و ... شود و ... مشغول باشد

۲۳ هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق
البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما في السموات
والارض وهو العزيز الحكيم چون فارغ شوی این چهار رکعت
با تعقیب تمام را تمام کن و بعد از آن دو سجده شکر کن و باز برخیز
دو رکعت نماز غفیله بجا آورد و در رکعت اول بعد الحمد بخوان وذا النون
اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات ان
لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبنا
له ونجيناه من الغم وكذلك ننجي المؤمنين و در رکعت دوم بعد
الحمد وعنده مفاتح الغيب لا يعلمها الا هو ويعلم ما في البر
والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا حبة في ظلمات
الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين بعد از آن
در قنوت بخوان اللهم اني اسئلك بمفاتح الغيب التي

ان تقضي ... امر ... حاجتك

لا يعلمها الا انت ان تصلي على محمد وآل محمد وان تفعل بي
كذا وكذا بعد از آن بگو اللهم انت ولي نعمتي والقادر على طلبتي
تعلم حاجتي فاسئلك بحق محمد وآل محمد عليهم السلام لما
قضيتها لي ... پس حاجت خود را
طلب کن که هر که این دو رکعت نماز را بگزارد میان نماز شام و خفتن
و دعا کند ... با این دعا و طلب ... حق تعالی آنچه سؤال ...
دارد و دعا کند ... باری حق تعالی هر آنچه سؤال کند به او عطا ...
بعد از آن برخیز برای نماز خفتن پس اذان و اقامت بگو و شروع
کن به نماز خفتن با آداب که مذکور شد و بعد از تعقیب نماز خفتن
دو سجده شکر بجا آورد بعد از آن دو رکعت
نماز وتیره نشسته بجا آورد ... با ...
نماز سنت است در رکعت اول بعد از ... سوره ...
با سورهٔ واقعه بخواند و در دوم سورهٔ توحید ... بعد از آن ...

هر کس در کاری قصد کرده باشد اگر ... بجا آورد حاجت او روا شود

حاجت خود را بخواهد پس ... بدانکه نماز شب هشت رکعت است
هر دو رکعت به یک سلام ... چنانچه ... نماز صبح ...
سنت قربة الى الله و افتتاح کند این دو رکعت اول ...
... و این دو رکعت ... هر سوره که خواهد بخواند
و سلام دهد ... برخیزد و شش رکعت دیگر را ...
آورد که مجموع هشت رکعت تمام شود و هر گاه وقت تنگ باشد
جایز است ... الحمد تنها اکتفا ... در سایر نوافل ... الحمد تنها اکتفا
... اگر قنوت بجا آورد در نماز ... سنت است ...
نوافل ... بعد از هر دو رکعت ... در رکعت دوم شفع ...
و در قنوت نیست بلکه قنوت در رکعت سیم است ...
و کافیست در قنوت که این دعا بخواند اللهم اغفر لنا وارحمنا
وعافنا واعف عنا في الدنيا والآخرة انك على كل شيء
قدير و سنت است ... خواندن قنوت ...

مع النجاة الا الله کفاه مهماته ... بثمانویت

بعد از فارغ از هشت رکعت نماز شب و آداب آن شروع کند

در دو رکعت شفع و مفرده وتر و افضل اوقات آن میان فجر

دوم است و نیت چنین کند که دو رکعت نماز شفع میگذارم

سنت قربة الی الله و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل اعوذ

برب الفلق و در رکعت دوم بعد از حمد سوره قل اعوذ برب

الناس بخواند و سلام دهد اگر برخیزد و نیت کند که یک رکعت

نماز وتر میگذارم سنت قربة الی الله افتتاح تکبیر ... سوره اخلاص

ثلاثه ... نماز سنت و لازم ... که بعد از حمد سوره توحید ...

نوبت و معوذتین را هر سه نوبت بخواند و در قنوت ...

مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بگوید ... العفو

بگوید و اگر ... چنانکه بگوید اللهم ...

لطالت ... چیزی از قنوت ... رکوع ...

کسی که پناه برد بسوی خدای تعالی کفایت بکند مهمات او را ... خوب است

۲۲

بجا آورده سلام دهد و هر چند که دعا ... بهتر ... خواهد

بعد از ... و در رکعت اول بعد از حمد ... نافله صبح

بود بعد از آن دو رکعت نافله صبح بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد

سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخواند

و سلام دهد و اگر صبح صادق ... باشد ... صبح بگذارد ...

مشغول ... قرآن باشد و ثواب ... و آنچه در

رکعت است و آن در ... چهار ... در هر رکعت ...

یکدست و آیة الکرسی و انا انزلناه و قل هو الله هر یکی ده نوبت بخواند

اول وقت ... از زوال است که بعد از نماز دعای طویل که در ...

مذکور است بخواند و بعد از آن که فارغ گشت حاجت خود را طلبد

و زیارت حضرت امیر المؤمنین ... کند ... غسل

کرده و ثواب عظیم دارد ... در رکعت ...

اول فاتحه یکبار و قل هو الله احد سی بار و در دوم فاتحه یکبار و انا

انزلناه سی بار بخواند ... صبح ... کند ...

بجا آورد ... در رکعت ... فاتحه و سوره یکبار بخواند ...

... نوبت ...

فارغ شود این دعا بخواند اللهم انی استودعک نفسی و اهلی و مالی

و ... و ...

... در رکعت ... و آنچه در رکعت

و در هر رکعت فاتحه و سوره ... بعد از توبه غسل

توبه بگذارد ... از نماز فارغ شود دعای توبه که در صحیفه مذکور است

بخواند ... و آنچه در رکعت اول بعد از حمد آیة الکرسی

یک نوبت و در رکعت دوم ... فاتحه یک نوبت و انا انزلناه ده نوبت

و ... سلام دهد بگوید اللهم صل علی محمد و آل محمد ...

... نام ...

اول ... است ... بر دو قسم است یکی احتیاج

به نیت دارد و یکی احتیاج به نیت ندارد ... طهارتی که احتیاج به

نیت دارد آن وضو و غسل و تیمم است ... که احتیاج

به نیت ندارد ...

... آب ...

ساحت آن در طول و عرض و عمق ...

...

۲۳

... جانب خدای تعالی ...

زمین ...

و ...

و ...

هر ...

بمعنی ...

شود ... انتقال ...

...

... اسلام و آن ...

الاکل ...

...

طرف ...

...

...

آن ...

...

طالب الشیء لا یسع من منع بالقلیل لا یمرک من کالمک

چیزهایی که نجس است [illegible] خواه [illegible] و اگر نجاسات یازده است
اول بول دوم غائط بشرط آنکه این هر دو از حیوانی باشند که گوشت
او حرام باشد و خون جهنده داشته باشد سیم [illegible]
چهارم خون از حیوانی که خون جهنده داشته باشد خواه گوشت او حلال باشد و خواه
حرام پنجم مردار از حیوانی که خون جهنده داشته باشد خواه گوشت
[illegible] ششم سگ [illegible] اما حرام است هفتم خوک
[illegible] کافر خواه ذمی
و خواه حربی و خواه اهل کتاب [illegible]
که [illegible] مذهب معتبر است نهم
مست کننده بشرط آنکه در اصل روان باشد [illegible]
[illegible]
نجس است اگر چه مست کننده نیست حیوانی که
اگر در حال حیات خون جهنده داشته باشد خواه گوشت او حلال باشد
و خواه حرام [illegible] بدانکه نماز بدون طهارت صحیح و مقبول
نیست و طهارت سه قسم است وضو و غسل و تیمم [illegible]
کرد

چون [illegible] بسیار نمی‌شود و کسی که [illegible] مانع [illegible] نمی‌شود و حرکت [illegible] از جای [illegible]
گذارد در وضو کافی نیست [illegible] که شخص [illegible]
با [illegible] او را دست داده با بول یا غائط یا باد از موضع معتاد بیرون
آید یا زن استحاضه قلیله داشته باشد اما جائی که غسل کافی است و احتیاج
به وضو نیست آن وقتی است که آدمی جنب باشد چون غسل
جنابت بجا آورد دیگر [illegible] احتیاج به وضو نیست اما جائیکه تیمم لازم
آن وقتی است که آب حاضر نباشد و وقت نماز تنگ باشد [illegible]
تیمم بدل وضو و غسل باید کرد اما جائیکه [illegible] از وضو و غسل
و تیمم لازم نیست آن [illegible] است که مرد جنب و زن حایض نیز
نماز می‌تواند گذارد و اما واجبی وضو [illegible] است [illegible]
بال راست شستن بال چپ شستن مسح [illegible]
مسح راست مسح [illegible] پای چپ واجب
غسلهای واجب [illegible] است [illegible]
جنابت [illegible] جنابت [illegible] اقسام غسلهای
واجب شش است [illegible] غسل جنابت [illegible] غسل حیض [illegible] نفاس
[illegible] غسل میت [illegible] غسل مس میت

من یتوکل علی الله کفاه [illegible]

در بیان اعمال و فضایل ماه مبارک رجب است و دعاهای آن بدانکه ماه
رجب و ماه شعبان و ماه رمضان بهترین ماههای سال است و از حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله و سلم منقولست که هر که [illegible] ماه رجب و شعبان
را بداند و وصل نماید به روزه ماه مبارک رمضان این ماههای مبارک در روز
قیامت گواهان او باشند نزد حق تعالی و در [illegible] منادی از افق اعلی
ندا کند که ای رجب و شعبان و ماه رمضان چگونه بوده است عمل این بنده
در شما و طاعت او برای خدا [illegible] که این بنده [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

کسی که توکل کرد بر خدای تعالی کفایت میکند مهمات او را [illegible]
که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمی‌شود [illegible]
شادی [illegible] که زوال ندارد حضرت رسول صلعم فرمود که رجب
ماه استغفار امت منست پس بسیار در این ماه طلب آمرزش کنید
که خدا آمرزنده و مهربانست و رجب را اصب گویند زیرا که رحمت خدا
در این ماه بر امت من بسیار ریخته میشود پس بگوئید استغفر الله
و اسئله التوبة و به سند معتبر از حضرت صادق منقولست که هر
کس روزی از ماه رجب را روزه بدارد [illegible] ثواب یک سال [illegible]
[illegible] و اگر هفت روز روزه بدارد هفت در جهنم
بر روی او بسته گردد و هر که هشت روز از آن روزه بدارد هشت
در بهشت بر روی او گشاده شود و هر که پانزده روز از آن روزه بدارد
خدا [illegible] حساب [illegible] و هر که جمیع ماه را روزه بدارد حق تعالی
خشنودی خود را برای او بنویسد و هر که خدا خشنودی خود را
برای او بنویسد هرگز او را عذاب نکند
[illegible] در بیان اعمال هر شب و هر روز از ماه رجب به سند معتبر
منقولست که حضرت امام زین العابدین ع در روز اول ماه رجب

إن الله عزّ وجلّ يجيب المؤمن ... على ...
استعاذا میفرمودند وعلما ذکر کرده اند که در هر روز از رجب سنت است بگوید
یا من یملک حوائج السائلین ویعلم ضمیر الصامتین لکل مسألة
منک سمع حاضر وجواب عتید اللهم ومواعیدک الصادقة
وأیادیک الفاضلة ورحمتک الواسعة فأسألک أن
تصلی علی محمد وآل محمد وأن تقضی حوائجی للدنیا والآخرة
إنک علی کل شیء قدیر وایضاً بسند معتبر منقولست که محمد
بن ذکوان بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که فدای تو شوم این ماه
رجبست مرا دعائی تعلیم نمای که حق تعالی مرا بآن نفع بخشد حضرت
فرمود که در هر روز ماه رجب در صبح وپسین وبعد از همه نمازها در
شب وروز این دعا را بخوان یا من أرجوه لکل خیر وآمن
سخطه عند کل شر یا من یعطی الکثیر بالقلیل یا من یعطی من سأله ومن لم
یعرفه تحنناً منه ورحمة أعطنی بمسألتی إیاک جمیع
خیر الدنیا وجمیع خیر الآخرة واصرف عنی بمسألتی إیاک
جمیع شر الدنیا وشر الآخرة فإنه غیر منقوص ما أعطیت
وزدنی من فضلک یا کریم پس حضرت ریش مبارک
خود را

بدست چپ گرفت ... خدای تعالی ... کاغذ ...
خود را به سبابه راست وچپ حرکت میداد ومیخواند
سبحان الله یا ذا الجلال والإکرام یا ذا النعماء والجود یا ذا
المن والطول حرّم شیبتی علی النار ودست بر ریش خود نهاده
... از آن ... ودستها ... وشیخ طوسی بسند معتبر روا
یت کرده است که حضرت صادق ع بمعلی بن خنیس گفت که در ماه
رجب این دعا بخوان اللهم إنی أسألک صبر الشاکرین لک
وعمل الخائفین منک ویقین العابدین لک اللهم أنت
العلی العظیم وأنا عبدک البائس الفقیر وأنت الغنی
الحمید وأنا العبد الذلیل اللهم صل علی محمد وآله وامنن
بغناک علی فقری وبحلمک علی جهلی وبقوتک علی ضعفی
یا قوی یا عزیز اللهم صل علی محمد وآله الأوصیاء المرضیین
واکفنی ما أهمنی من أمر الدنیا والآخرة یا أرحم الراحمین
واز حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که در جمیع ماه رجب هر بامداد
وپسین هفتاد مرتبه بگوید أستغفر الله وأتوب إلیه ... دستها
بسوی آسمان ... وبگوید اللهم اغفر لی وتب علیّ

لا تعجل فان الله ... واجعلها ... الدارین
واین استغفار در جمیع ایام ماه رجب سنت است وهزار مرتبه سوره
قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار دارد ووارد شده
است اگر خواهد در یک روز بخواند واگر خواهد هر روز قدری بخواند
که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده شود وایضاً منقولست که کسی
که هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای
او نوشته شود وحق تعالی در بهشت شهری از برای او بنا کند فصل چهارم
در بیان فضایل واعمال مخصوصه روز اول رجب تا روز ...
در شب اول ماه غسل سنت است ومنقولست که هر که در شب
اول ماه رجب وشب نیمه وشب آخر آن غسل کند از گناهان
پاک شود مانند روزی که از مادر متولد شده است ودر روز ...
... دعای ... کامل ... بخواند که بهترین دعا است ومنقولست که هر که
... حضرت ... چشم ... باشد ...
است ومنقولست که چون ماه رجب را ببیند بگوید اللهم
أهله علینا بالأمن والإیمان والسلامة والإسلام ربی
وربک الله عز وجل ... شب اول ... زیارت ...

شراب ... بنوشاند ... شراب ... جوی ...
حضرت امام حسین ع فضیلت بسیار دارد ودر حدیث معتبر
وارد شده است که هر که در روز اول رجب ... زیارت
کند بهشت او را واجب میشود البته وروزه روز اول فضیلت بسیار
دارد واز حضرت امام رضا ع منقولست که هر که روزه بدارد روز اول ماه
رجب از برای رغبت در ثواب خدا بهشت او را واجب شود وهر که
روز ... در وسط این ماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت او را قبول
... وهر که ... عطایای ... رجب ... وهر که
روز آخر این ماه روزه بدارد حق تعالی او را از پادشاهان بهشت
گرداند وقبول کند شفاعت او را در حق پدر ومادر ودختر
وپسر وبرادر وخواهر وعمو وعمه وخالو وخاله او وجمیع همسایگان
واشنایان او ... فضایل واعمال
ماه رجب بسیار است ... نمودیم هر که ... خواهد
زیاده از این ... رجوع کند بکتاب زاد المعاد واین ...
... در بیان فضایل واعمال ماه مبارک
شعبان وایام ولیالی آن بدانکه فضیلت ماه شعبان زیاده از آن

باعث اجلال شرف لا شرف بقول وفعل

رجب شهر خداست و شعبان ماه حضرت رسالت پناه ... الدین بعد
از حضرت امام رضا منقول است که هر که هفتاد مرتبه در ماه شعبان استغفار
کند گویا استغفار کرده است و اگر چه بعد از ستاره های آسمان باشد
و دیگر از آنحضرت منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد
مرتبه بگوید استغفر الله واسئله التوبة بنویسد حق تعالی برای او
برات بیزاری از آتش جهنم و بگذرد او را از صراط و داخل گرداند
بهشت و بسند معتبر از حضرت صادق منقول است که هر که روزه بدارد
اول ماه شعبان را بهشت او را واجب شود البته

شب پانزدهم شعبان غسل در این شب سنت است
از حضرت صادق منقول است که روزه بدار به ماه شعبان اول و شب
نیمه آن غسل کند که باعث تخفیف گناهان باشد و در شب آن
شعبان بسیار نماز بجا آور و از جمله اعمال این شب زیارت حضرت
امام حسین است و از حضرت امام زین العابدین منقول است
هر که خواهد که با او مصافحه کنند روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر
زیارت کند حضرت امام حسین را در شب نیمه شعبان

حرکت بزیارت روی از بخواه و نیکو دار زیارت

که ملائکه و پیغمبران در شب نیمه از خدا رخصت می طلبند که بزیارت
آنحضرت بیایند و رخصت می یابند خوشا حال کسی که با ایشان
بار مصافحه کند و از جمله آنها پنج پیغمبر اولو العزم نوح و ابراهیم و موسی
و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین که مبعوث گردیده اند
بمشرق و مغرب زمین و جنیان و آدمیان و از حضرت صادق
منقول است که در شب نیمه شعبان می آمرزند جمیع گناهان کسی
که زیارت آنحضرت کند در آن شب و اقل زیارت آنحضرت آنست
که بر بامی بالا رود و نظر کند بجانب راست آسمان و بجانب
و بالای سر نظر کند پس بانگشت اشاره کند بجانب راست قبله
و بگوید السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن
رسول الله السلام علیک و رحمة الله و برکاته و اکمل
از زیارت بسوطی بعمل آورد بهتر است و از جمله آنها این است
السلام علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث
ابراهیم خلیل الله السلام علیک یا وارث موسی
کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث محمد علیک

استفتح بالمصحف ومثل القرب والطاعة

حبیب الله السلام علیک یا وارث امیر المؤمنین ولی الله
السلام علیک یا ابن محمد المصطفی السلام علیک یا ابن علی
المرتضی السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء السلام
علیک یا ابن خدیجة الکبری السلام علیک یا ثار الله
وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انک قد اقمت الصلوة
وآتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر واطعت
الله ورسوله حتی اتاک الیقین فلعن الله امة قتلتک
ولعن الله امة ظلمتک ولعن الله امة سمعت بذلک
فرضیت به یا مولای یا ابا عبد الله اشهد انک کنت نورا
فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسک
الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک من مدلهمات ثیابها واشهد
انک من دعائم الدین واركان المؤمنین واشهد انک
الامام البر التقی الرضی الزکی الهادی المهدی واشهد ان الائمة
من ولدک کلمة التقوی واعلام الهدی والعروة
الوثقی والحجة علی اهل الدنیا واشهد الله وملائکته

طلب کن پس از خدا تعالی بشکیب و حاجت خود را

ورسله انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع دینی وخواتیم
عملی وقلبی لقلبکم سلم وامری لامرکم متبع صلوات الله
علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی اجسامکم وعلی شاهدکم
وغائبکم وعلی ظاهرکم وباطنکم پس دو رکعت نماز
زیارت بکند نیز خوبست و اگر دور زیارت کند قصد زیارت
حضرت علی بن الحسین شهید کند و بگوید السلام علیک
یا ابن نبی الله السلام علیک یا ابن الحسین الشهید
السلام علیک ایها الشهید السلام علیک ایها المظلوم
وابن المظلوم لعن الله امة قتلتک ولعن الله امة ظلمتک
ولعن الله امة سمعت بذلک فرضیت به پس
قصد زیارت شهداء رضی الله عنهم کند و بگوید السلام علیکم
یا اولیاء الله واحباءه السلام علیکم یا انصار دین الله
السلام علیکم یا انصار رسول الله السلام علیکم یا
انصار امیر المؤمنین السلام علیکم یا انصار فاطمة
سیدة نساء العالمین السلام علیکم یا انصار ابی محمد

بحرمت نامی الحرمت برکات الاعظم ... لا تحل مرا الله

والحسن بن علي الزكي التابع السامع عليكم يا اهل ... تقبل الله يا ابي انتم وامي ... والامام ... لا رحمن الذي ... ذنوبهم ... عظيم ... كنت ... ناقوس ...

و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که شب نیمه شعبان بهترین شبها است بعد از شب قدر پس اهتمام نمایید در این شب از احیاء و دعا و ثنا به درگاه جناب خدای تعالی به استغفار چرا که در این شب صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای دنیا و آخرت او را برآورد خواه طلب نماید خواه نماید و از جمله اعمال این شب که بهترین دعاها ... شب که منقول است ... نماز جعفر ... رکعت نماز بکند در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگوید و این ترتیب تسبیح فاطمه صلوات الله علیها

هر رکعت ... در عوض هر رکعت گناهان عظیم ... خواهد

علیها بعد از آن بخواند این دعا را ... یا من الیه ملجأ العباد في المهمات واليه يفزع الخلق في الملمات يا عالم الجهر والخفيات يا من لا تخفى عليه خواطر الاوهام وتصرف الخطرات يا رب الخلائق والبريات يا من بيده ملكوت الارضين والسماوات انت الله لا اله الا انت امتّ اليك بلا اله الا انت فيا لا اله الا انت اجعلني في هذه الليلة ممن نظرت اليه فرحمته وسمعت دعاءه فاجبته وعلمت استقالته فاقلته وتجاوزت عن سالف خطيئته وعظيم جريرته فقد استجرت بك من ذنوبي ولجأت اليك في ستر عيوبي اللهم فجد علي بكرمك وفضلك واحطط خطاياي بحلمك وعفوك وتغمدني في هذه الليلة بسابغ كرامتك واجعلني فيها من اوليائك الذين اجتبيتهم لطاعتك واخترتهم لعبادتك وجعلتهم خالصتك وصفوتك اللهم اجعلني ممن سعد جده وتوفر من الخيرات حظه واجعلني ممن سلم فنعم وفاز فغنم واكفني شر ما اسلفت واعصمني من الازدياد

... حاجتک ... من ... مکانک

في معصيتك وحبب الي طاعتك وما يقربني منك ويزلفني عندك سيدي اليك يلجأ الهارب ومنك يلتمس الطالب وعلى كرمك يعول المستقيل التائب ادبت عبادك بالتكرم وانت اكرم الاكرمين وامرت بالعفو عبادك وانت الغفور الرحيم اللهم فلا تحرمني ما رجوت من كرمك ولا تؤيسني من سابغ نعمك ولا تخيبني من جزيل قسمك في هذه الليلة لاهل طاعتك واجعلني في جنة من شرار بريتك رب ان لم اكن من اهل ذلك فانت اهل الكرم والعفو والمغفرة وجد علي بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن ظني بك وتحقق رجائي لك وعلقت نفسي بكرمك فانت ارحم الراحمين واكرم الاكرمين اللهم واخصصني من كرمك بجزيل قسمك واعوذ بعفوك من عقوبتك واغفر لي الذنب الذي يحبس علي الخلق ويضيق علي الرزق حتى اقوم بصالح رضاك وانعم بجزيل عطائك واسعد بسابغ

نعمائك

هر حاجت خود را ... بطلبد ... برآید

نعمائك فقد لذت بحرمك وتعرضت لكرمك واستعذت بعفوك من عقوبتك وبحلمك من غضبك فجد لي بما سألتك وانل ما التمست منك اسألك بك لا بشيء هو اعظم منك

پس سجده میرود و میگوید یا رب بیست مرتبه یا الله هفت مرتبه لا حول و لا قوة الا بالله هفت مرتبه ما شاء الله ده مرتبه لا قوة الا بالله ده مرتبه پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد آنچه خواهی و حاجت خود را از خدا بطلب به خدا سوگند که اگر بقطرات باران حاجت بطلبی حق تعالی همه را برآورد بکرم و فضل خود و در روایت دیگر بعد از هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه بگو یا رب ...

در بیان فضائل اعمال ماه مبارک رمضان است بدانکه ماه رمضان ماه خداست ... و شب قدر ... بهترین روزها و ساعتهای او بهترین ساعتها ... سنت است چون هلال ماه رمضان را ببیند ... والسنة

دعا رویت علی الله ... اول ماه

دانسته شد از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که چون هلال ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و رو بقبله بایست و دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب کن بماه و بگو ربی و ربک الله رب العالمین اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام والمسارعة الی ما تحب وترضی اللهم بارک لنا فی شهرنا هذا وارزقنا خیره وعونه واصرف عنا ضره وشره وبلاءه وفتنته و در حضرت [illegible] دعاها و عای صحیفه کاملست و در شب اول

غسل است بسند از حضرت صادق ع منقولست که هر که غسل کند در شب اول ماه رمضان در نهر جاری و بریزد کف آب بر سر خود بطهارت معنوی پاک شود تا ماه رمضان آینده و در حدیث دیگر وارد شده که هر که در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش بدن در آن سال باو نرسد و اگر در شب ماه نیست در آن تمام ماه را بگذارد [illegible] کند بهتر است [illegible] ... و اول ماه رمضان مبارک را مستحب است ... الی الله و در روز اول ماه نیز سنت است که غسل کند در آب جاری و بریزد کف آب

بر سر خود

توکل بر خدای تعالی ... بهر کار که داری خوب است

بر سر بریزد و از حضرت صادق ع منقولست که چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیمار بها در تمام سال ایمن باشد و ایضا از آنحضرت منقولست که هر که در روز اول این ماه کفی از گلاب بر روی خود بریزد از خواری و پریشانی نجات یابد و اگر بر سر بریزد آنروز از جمیع بلاها ایمن گردد و هر که یک کف از گلاب در روز اول این ماه بر سر بریزد در آن سال از مرض سرسام ایمن گردد و از حضرت صادق ع منقولست که چون ماه مبارک رمضان داخل میشد حضرت رسول ص و آله این دعا میخواند اللهم انه قد دخل شهر رمضان اللهم رب شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن ... اعنا علی صیامه وتقبله منا

... از حضرت صادق و کاظم علیهما السلام منقولست که در هر شب ماه رمضان این دعا بخوانند یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم انت الرب العظیم الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر وهذا شهر عظمته وکرمته وشرفته وفضلته علی الشهور وهو الشهر الذی فرضت صیامه علی وفرضت ...

... الحرام والطلب بان الله تعالی ... از طلب ... و در دعای ...

منزل الله الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان وجعلت فیه لیلة القدر وجعلتها خیرا من الف شهر فیا ذا المن ولا یمن علیک من علی فکاک رقبتی من النار فیمن تمن علیه وادخلنی الجنة برحمتک یا ارحم الراحمین دعا در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان بسند صحیح منقولست که هر که در هر شب از ماه مبارک این دعا را بخواند گناهان چهل ساله او آمرزیده شود اللهم رب شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن وافترضت علی عبادک فیه الصیام صل علی محمد وال محمد وارزقنی حج بیتک الحرام فی عامی هذا وفی کل عام واغفر لی تلک الذنوب العظام فانه لا یغفرها غیرک یا رحمن یا علام و بسند بسیار معتبر بلکه صحیح از حضرت صادق ع منقولست که در هر شب از ماه مبارک این دعا را بخوانند اللهم انی اسئلک ان تجعل فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم فی الامر الحکیم من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور

... سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم وان تجعل فیما تقضی وتقدر ان تطیل عمری فی خیر وعافیة وتوسع فی رزقی وان تجعلنی ممن تنتصر به لدینک ولا تستبدل بی غیری دعا ... در هر شب ... اللهم ... فی الطالبین فادخلنا ... فی ... الحور العین ... الولدان المخلدین کانهم لؤلؤ مکنون ... الطیر ... من ثیاب السندس والحریر والاستبرق ... القدر ... فی سبیلک ... الدعاء والمسئلة فاستجب لنا ... والاخرین یوم القیمة فارحمنا ... من النار ... فی جهنم ... فلا تسلبنا ... القطران ... لا اله الا انت بحقک ...

اذا الولد ... [illegible] دعا خواند ... اوجعه ... [illegible]

يا مفزعي عند كربتي ويا
غوثي عند شدتي اليك فزعت وبك استغثت وبك
لذت لا الوذ بسواك ولا اطلب الفرج الا منك فاغثني
وفرج عني يا من يقبل اليسير ويعفو عن الكثير اقبل مني
اليسير واعف عني الكثير انك انت الرحيم الغفور اللهم اني
اسئلك ايمانا تباشر به قلبي ويقينا صادقا حتى اعلم انه لن
يصيبني الا ما كتبت لي ورضني من العيش بما قسمت لي يا ارحم
الراحمين يا عدتي في كربتي ويا صاحبي في شدتي ويا وليي في
نعمتي انت الساتر عورتي والآمن روعتي والمقيل عثرتي
فاغفر لي خطيئتي يا ارحم الراحمين دعای سحر ... بسیار
معتبر وارد شده که حضرت امام محمد باقر ... میخواندند ...
... عظمت این دعا ... و ... اجابت
... برای طلب ... حاجات ... اکرم ...
یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعای ... است ...
... با اهتمام تمام ... بخوانند ...

و اگر ... [illegible]

بیان ... دعای ابتدا اللهم اني اسئلك من بهائك بابهاه
وكل بهائك بهي اللهم اني اسئلك ببهائك كله اللهم
اني اسئلك من جمالك باجمله وكل جمالك جميل اللهم اني
اسئلك بجمالك كله اللهم اني اسئلك من جلالك باجله
وكل جلالك جليل اللهم اني اسئلك بجلالك كله اللهم
اني اسئلك من عظمتك باعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم
اني اسئلك بعظمتك كلها اللهم اني اسئلك من نورك
بانوره وكل نورك نير اللهم اني اسئلك بنورك
كله اللهم اني اسئلك من رحمتك باوسعها وكل رحمتك
واسعة اللهم اني اسئلك برحمتك كلها اللهم اني
اسئلك من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم اني
اسئلك بكلماتك كلها اللهم اني اسئلك من كمالك باكمله
وكل كمالك كامل اللهم اني اسئلك بكمالك كله اللهم اني اسئلك من اسمائك باكبرها
وكل اسمائك كبيرة اللهم اني اسئلك باسمائك كلها اللهم اني اسئلك من عزتك باعزها

[illegible]

وكل عزتك عزيزة [illegible] بعزتك كلها اللهم اني اسئلك
من مشيتك بامضاها وكل مشيتك ماضية اللهم اني
اسئلك بمشيتك كلها اللهم اني اسئلك من قدرتك
بالقدرة التي استطلت بها على كل شيء وكل قدرتك
مستطيلة اللهم اني اسئلك بقدرتك كلها اللهم اني اسئلك
من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم اني اسئلك بعلمك
كله اللهم اني اسئلك من قولك بارضاه وكل قولك رضي
اللهم اني اسئلك بقولك كله اللهم اني اسئلك من
مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك اليك حبيبة اللهم
اني اسئلك بمسائلك كلها اللهم اني اسئلك من شرفك
باشرفه وكل شرفك شريف اللهم اني اسئلك بشرفك
كله اللهم اني اسئلك من سلطانك بادومه وكل
سلطانك دائم اللهم اني اسئلك بسلطانك كله اللهم
اني اسئلك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم
اني اسئلك بملكك كله اللهم اني اسئلك من علوك
باعلاه

... [illegible] ... در رمضان

باعلاه وكل علوك عال اللهم اني اسئلك بعلوك
كله اللهم اني اسئلك من منك باقدمه وكل منك قديم
اللهم اني اسئلك بمنك كله اللهم اني اسئلك من
آياتك باكرمها وكل آياتك كريمة اللهم اني اسئلك بآيا
تك كلها اللهم اني اسئلك بما انت فيه من الشأن
والجبروت واسئلك بكل شأن وحده وجبروت وحدها
اللهم اني اسئلك بما تجيبني حين اسئلك فاجبني يا الله
پس هر حاجت که دارد از حق تعالی بطلبد که البته برآورده است و دیگر
سحور خوردن در هر شب ماه مبارک مستحب است و از حضرت رسول
منقول است که امت من ترک نکنند سحور خوردن اگرچه بیک دانه
خرما باشد ... سنت است که اول نماز شام را بکنند
بعد از آن افطار بکنند مگر آنکه جمعی انتظار او کشند یا آنکه گرسنگی و اشتها
و ... غالب باشد ... مانع حضور قلب او باشد در نماز که در این
صورت افطار را مقدم دارد بهتر است و در وقت افطار سوره
انا انزلناه خواندن سنت است ... و از حضرت رسول

غفلت نمايد و حجت ... و التفويض الی الله

منقولست که هر که در وقت افطار بگوید یا عظیم یا عظیم انت
الهی لا اله لی غیرک اغفر لی الذنب العظیم انه لا یغفر الذنب العظیم الا العظیم
از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از حضرت
امام حسن ع منقولست که هر روزه داری را در وقت افطار دعایی
مستجابست پس باید در لقمه اول بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
یا واسع المغفرة اغفر لی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی ع
منقولست که در وقت افطار بگوید اللهم لک صمت و علی رزقک
افطرت و علیک توکلت تا خدا عطا کند ثواب هر کسی که در آن
روز روزه داشته باشد و در احادیث معتبر وارد شده است که حضرت رسالت
پناه ص افطار میکردند بر خرما و آب نیم گرم و در حدیث دیگر
منقولست که آنحضرت در وقت افطار ... حلوا میکردند
و اگر حاضر نبود باب نیم گرم افطار میکردند و میفرمودند که آب
نیم گرم پاک میکند معده را و قوت میدهد ...
میکند و گناهان را ...
و ... قطع میکند بلغم را و ...

بهتر که عمل آنچه منقول شده ... برخیزد ...

برخیزد ... واقف ... منقولست که ...
اعمال شب ۹
کند ثواب نماز شب چهار صد برابر مضاعف گردد ... اعمال شب
... که ...
امام محمد باقر ع منقولست که هر که احیا کند شب قدر را گناهان
او آمرزیده شود هر چند بعدد ستاره های آسمان ...
... اعمال ... شب ...
... هر شب ... مخصوص ... هر شبی
از حضرت رسول ص و آله منقولست هر که در شب
... نماز ... هر رکعت بعد از سوره حمد هفت مرتبه
قل هو الله احد ... و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله
و اتوب الیه بگوید ... حق تعالی ...
... بیامرزد ... که حسنات برای او ...
تا سال آینده ... برای او ...
... برای او ...
... باید غسل ...

عمل صالح ... از حدیث ...

سنت موکدست و غسل ... مقارن غروب آفتاب
کردن بهترست و نماز شام را با غسل بکند و مستحب است در این
شبها قرآن مجید ... و بگشاید و ... بگوید اللهم
انی اسئلک بکتابک المنزل و ما فیه و فیه اسمک الاکبر
و اسمائک الحسنی و ما یخاف و یرجی ان تجعلنی من
عتقائک من النار و تقضی حوائجی للدنیا و الآخرة
پس حاجت خود را از حق تعالی طلب نماید که ان شاء الله
تعالی بر آورده شود ... از حضرت امام محمد باقر منقولست
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که مصحف را بگیرد و بر
سر بگذارد و بگوید اللهم بحق هذا القرآن و بحق من ارسلته
به و بحق کل مؤمن مدحته فیه و بحقک
علیهم فلا احد اعرف بحقک منک پس ده
مرتبه بگوید یا الله و ده مرتبه بمحمد و ده مرتبه بعلی و ده مرتبه
بالحسن و ده مرتبه بالحسین و ده مرتبه بعلی بن الحسین
و ده مرتبه بمحمد بن علی و ده مرتبه بجعفر بن محمد و ده مرتبه

بموسی بن جعفر و ده مرتبه بعلی بن موسی و ده مرتبه بمحمد بن علی
و ده مرتبه بالحجة پس حاجتی که داری طلب کن و زیارت حضرت امام
حسین ع در هر یک از این سه شب مستحب موکد است و در هر یک
... صد رکعت نماز سنت است ...
رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله
احد ... وارد شده است که هفت مرتبه
یا پنج مرتبه یا ... قل هو الله احد ...
... صد ...
...
...
... خود و ...
... و صلوات بر محمد و آل محمد صلوات الله
علیهم ... و در ... وارد شده است که ...
...
... اعمال مخصوص شب ... که صد مرتبه بگوید

امر رجالك في هذا الامر خيرا

أَسْتَغْفِرُ اللهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ ... اللَّهُمَّ إِنِّي
أَنْ تُؤْمِنَنِي ... اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ مِنَ
الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَفِيمَا تَفْرُقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِنَ
الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُبَدَّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ
الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ
الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتُهُمْ وَاجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي وَتُقَدِّرُ أَنْ تُطِيلَ عُمْرِي
وَتُوَسِّعَ عَلَيَّ فِي رِزْقِي وَتَفْعَلَ بِي ... جَمِيعِ الْأُمُورِ ...
لِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ... شب بیست و یکم
... و غسل و اعمال سابقه ...
... در مساجد جامع ... است
و دعای ... و بسند معتبر از حضرت امام موسی
منقول است که در شب بیست و یکم و بیست و سوم صد رکعت نماز بکن
و در هر رکعت ده مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در حدیث
معتبر دیگر منقول است که حضرت امام محمد باقر ... شب را احیا
میکرد و در ... مشغول دعا ... صبح ...

الحمد ...

[margin: اعمال شب بیست و یکم]

امید هست که از برای تو در این کار خوبست

آخر مشغول نماز می شد و بسند موثق از حضرت صادق علیه السلام منقول است
که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک
صد رکعت نماز بکن بغیر سیزده رکعت نماز شب ... تا صبح بیدار
باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی ... که
امید شب قدر در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است از هزار ماه
... بهتر است از عمل در هزار ماه ... هر امری که در آن سال
واقع میشود در آن شب مقدر میگردد و بسندهای معتبر در این شب
بنده ... دعای مخصوص از حضرت صادق علیه السلام وارد شده است
و در مطالب دنیا و آخرت مشتمل است دعای ... شب بیست و یکم
يَا مُولِجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَمُولِجَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ
الْمَيِّتِ وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ
حِسَابٍ يَا اللهُ يَا رَحْمٰنُ يَا اللهُ يَا رَحِيمُ يَا اللهُ يَا اللهُ
يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى
وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ وَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعَدَاءِ

[margin: دعای شب بیست و یکم]

الاهل يا من ... واهل ... رحمة

وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً
وَأَنْ تَهَبَ لِي يَقِينًا تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَإِيمَانًا يُذْهِبُ الشَّكَّ
عَنِّي وَتُرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي وَآتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الْحَرِيقِ وَارْزُقْنِي فِيهَا ذِكْرَكَ
وَشُكْرَكَ وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالتَّوْفِيقَ
لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ و اما شب بیست
سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه شب قدر است
... دو غسل سنت یکی در اول و دیگری در آخر شب و حضرت
صادق علیه السلام فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است که
در این شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آن
شب مقدر میگردد هر کسی را بلاها ... و غیر آنها ... در آن سال
واقع میشود و در شب قدر ... حال ...
... شب را بیدار باشید بعبادت و گاه در رکوع باشید و گاه در
سجود و گاه ... خود را در برابر ... در ...
و بر ... چون ... امید ... که از فضیلت شب

قدر محروم

[margin: اعمال شب بیست و سیم]

نزدیک ... حضرت ... شب ... که در ... است ...
... محروم نگردد ان شاء الله تعالی و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام
منقول است که هر که سوره عنکبوت و روم را در شب بیست و سیم
بخواند والله که او از اهل بهشت است و ... در آن احدی را
... که خدا ... کند ... و این دو سوره را
نزد خدای تعالی منزلت عظیم هست و ایضا از آنحضرت بسند معتبر
منقول است که هر که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان هزار
مرتبه سوره انا انزلناه را بخواند ... صبح کند ... شدید باعز
... مخصوص ... از ... در این شب ...
... بخواند سوره حم دخان ... در این شب ... بخواند
و از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که هر که زیارت کند امام حسین
علیه السلام در شب بیست و سیم ... در آن هست ... هر امری
مقدر میشود ... کند ... و ... چهار هزار پیغمبر
که ... در این شب رخصت ... از حق تعالی که در شب زیارت
آنحضرت ... و بسند معتبر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است
که هر که احیا کند شب بیست و سیم ماه رمضان را و صد رکعت نماز بکند

[margin: سوره عنکبوت و روم]
[margin: سوره حم دخان]
[margin: زیارت آنحضرت]

الی حاجات ... [illegible]

حق تعالی روزی او را فراخ گرداند و در دنیا و خرد شناسان [illegible] کفایت
کند [illegible] او را از عزت [illegible] و خانه [illegible] خراب شده
والحمد [illegible] و از [illegible] گرداند [illegible] از وجود منکر و نکیر
و از [illegible] باشد که [illegible]
[illegible] از [illegible] و [illegible] برای او برات [illegible]
از آتش جهنم [illegible] از صراط [illegible] از عذاب او را داخل
جنت شود بحساب [illegible] معبران [illegible]
[illegible] و صالحان [illegible] انشاء الله [illegible]

دعای [illegible]

این دعا [illegible] در شب [illegible] بخواند یا رب لیلة القدر و جاعلها خیر
من الف شهر و رب اللیل والنهار والجبال والبحار والظلم
والانوار والارض والسماء یا بارئ یا مصور یا حنان
یا منان یا الله یا رحمن یا الله یا قیوم یا الله یا بدیع
یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا
والکبریاء والآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد
وان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء [illegible]

[illegible] مکتوب [illegible] دعا [illegible] در [illegible] جمعه [illegible] از [illegible]

اللهم آمنی واجعلنی فی عافیتی واسبابی معمورة وان تهیئ
لقضائک [illegible] قلبی وایمانی یذهب الشک عنی وتقنع
[illegible] فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة
وقنا عذاب النار [illegible] فقاد ذکرک وشکرک
والرغبة الیک والانابة والتوبة والتوفیق لما وفقت
له محمدا وآل محمد صلواتک علیه وعلیهم وادفعا
[illegible] اللهم امدد لی فی عمری واوسع لی فی رزقی
واصح جسمی وبلغنی املی وان کنت من الاشقیاء فامحنی
من الاشقیاء واکتبنی من السعداء فانک قلت فی کتابک
المنزل علی نبیک صلواتک علیه وآله یمحوا الله
ما یشاء ویثبت وعنده ام الکتاب وایضا [illegible] اللهم
اجعلنی من اوفر عبادک نصیبا من کل خیر انزلته
فی هذه اللیلة او انت منزله من نور تهدی به
او رحمة تنشرها او رزق تقسمه او بلاء تدفعه
او ضر تکشفه واکتب لی ما کتبت لاولیائک الصالحین

[illegible]

[illegible] طول [illegible] والآخرة [illegible] الموت قریب [illegible]

اللهم [illegible] منک الثواب والامن [illegible] من
منک العقاب یا کریم یا کریم صل علی محمد وآل محمد
وافعل بی ذلک یا رب العالمین بوجهک یا ارحم الراحمین
و [illegible] از قرآن که ممکن [illegible] در شب بخواند [illegible]
[illegible] بخواند خصوصا دعای مکارم الاخلاق و دعای توبه
و [illegible] باید [illegible] و عبادت
و تلاوت و دعا [illegible] که در احادیث [illegible]
[illegible] فضیلت [illegible] و [illegible] در

[illegible] آخر شعبان [illegible] وداع ماه مبارک [illegible]
[illegible] مبارک [illegible]
[illegible] و [illegible]
[illegible] که آخر ماه [illegible] شب [illegible]
[illegible] خواندن و دعای وداع [illegible]

وداع [illegible]

در [illegible] جمعه آخر [illegible] وداع
[illegible] منقول است
[illegible]

[illegible] منقول [illegible] در [illegible] دعای [illegible]

[illegible] حضرت رسول ص در جمعه آخر ماه مبارک
رمضان چون نظر آنحضرت ... بر [illegible] افتاد فرمود که [illegible] آخر جمعه است
از ماه مبارک رمضان پس او را وداع کنی و بگو اللهم لا
تجعله آخر العهد من صیامنا ایاه فان جعلته فاجعلنی
مرحوما و لا تجعلنی محروما [illegible] که هر که این دعا در این روز
بخواند یکی از دو خصلت [illegible] به یابد رسیدن [illegible]
آینده یا آمرزش خدا و رحمت [illegible] حضرت
[illegible] منقول است که هر که در شب آخر ماه مبارک این دعا بخواند

دعای شب آخر

اللهم لا تجعله آخر العهد من صیامی لشهر رمضان
واعوذ بک ان یطلع فجر هذه اللیلة الا وقد غفرت
[illegible] حق تعالی [illegible] او را بیامرزد و [illegible]
وایضا [illegible] این دعا بخواند اللهم انی اسئلک
[illegible] به [illegible] محمد
[illegible] محمد علیه وعلیهم السلام ان [illegible]
[illegible] ولا تجعل وداع شهری هذا وداع [illegible]

سلامتی زهر شک خادر اعید الخیراه رضی الله عنه الطاعا بعد الرحمه

من الدنیا و لا وداع احو عبادتک و دفقنی لیلة القدر

و اجعلها لی خیر من الف شهر و نقاعنا لاجواد

جانبه و لا تعوغنی الذنب جرحی الترب و از جمله نمازها

سنت است در شب اخر [illegible]

[illegible]

چنانکه از [illegible] کرده اند نام او را از جمله عابدان محو

کردانند چنانچه منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام

که در عرض سال تحصیل مینمود تا بیست هفتم رمضان و کم در شب

آخر ماه رمضان آزاد مینمود و میفرمود که شما را آزاد کردیم

با میدانکه خداوند رحیم از تقصیرات من در گذرد و مرا از عذاب

جحیم آزاد گرداند و چون روز عید می شد جایزه عظیم باشان

می بخشید که بی نیاز باشند از سؤال کردن از مردم

بدانکه شب عید فطر که غره شوال المکرم است از جمله لیالی

شریفه است و در فضیلت و ثواب و عبادت و احیاء ان

احادیث بسیار است و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است

که هر که

[illegible]

معانی در [illegible] [illegible] [illegible]

که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی که دلها [illegible]

بمیرد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که گفت پدرم علی بن

الحسین علیه السلام شب عید را احیا میکرد تا صبح و در مسجد ان شب

در مسجد میماند و میگفت ای فرزند این شب کمتر از شب قدر نیست

و غسل در این شب سنت است و شخصی بخدمت حضرت صادق

علیه السلام عرض کرد که مردم میگویند که امرزش نازل میشود بر کسی که روزه

دارد در ماه رمضان در شب قدر حضرت فرمود که کارکن را مزد کارش

میدهند بعد از فارغ شدن از کار و ان در شب عید است پس

راوی گفت که چه چیز کار است او را در این شب کنیم

فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل بکن و چون نماز [illegible]

و [illegible] بسوی آسمان بلند کن و بگو یا ذا

المن و الطول یا ذا الجود یا مصطفی محمد و ناصره صل علی

محمد و آل محمد و اغفر لی کل ذنب احصیته و هو عندک

فی کتاب مبین پس بسجود برو و صد مرتبه بگو اتوب الی الله

پس هر حاجت که داری از خدا تعالی طلب کن که ان شاء الله تعالی

[illegible]

و از جمله نمازهای [illegible] سنت منقول است که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

در شب عید فطر دو رکعت نماز میکرد و در رکعت اول بعد از حمد

هزار مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دوم یک مرتبه میخواند

پس رکوع و سجود [illegible] بعد از سلام بسجود میرفتند

و صد مرتبه اتوب الی الله میگفتند پس میگفتند یا ذا المن و الجود

یا ذا الفضل و الطول یا مصطفی محمد صلی الله علیه و آله صل علی

محمد و آله پس حاجت خود را از خدا مطلبید پس سر از سجده

برمیداشتند و میفرمودند بحق خداوندی که جانم بدست قدرت اوست

که هر که این نماز را بکند هر حاجت که از خدا طلب کند

او را عطا کند و اگر عدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا

بیامرزد و بعد از نماز سنت است که این دعا بخواند یا الله

یا الله یا الله یا رحمن یا مالک یا الله یا قدوس یا

الله یا سلام یا الله یا مؤمن یا الله یا مهیمن یا الله

یا عزیز یا الله یا جبار یا الله یا متکبر یا الله یا خالق

یا الله یا بارئ یا الله یا مصور یا الله یا عالم یا الله

یا عظیم

[illegible]

یا عظیم یا الله یا علیم یا الله یا کریم یا الله یا حلیم

یا الله یا حکیم یا سمیع یا الله یا بصیر یا الله یا قریب

یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا ماجد یا الله یا ملی

یا الله یا وفی یا الله یا مولی یا الله یا قاضی یا الله

یا سریع یا الله یا شدید یا الله یا رئوف یا الله یا

رقیب یا الله یا مجیب یا الله یا جواد یا الله یا ماجد

یا الله یا علی یا الله یا حفیظ یا الله یا محیط یا الله یا سید السادات

یا الله یا اخر یا الله یا اول یا الله یا ظاهر یا الله یا باطن یا الله

یا فاخر یا الله یا قاهر یا الله یا رب یا الله [illegible]

[illegible]

یا الله یا نور یا الله یا رافع یا الله یا مانع یا الله

یا [illegible] یا الله یا [illegible] یا الله یا جلیل یا الله یا جمیل یا الله

یا شهید یا الله یا شاهد یا الله یا حبیب یا الله

یا [illegible] یا الله یا مطهر یا الله یا مالک یا الله یا مقتدر

یا الله یا قابض یا الله یا باسط یا الله یا محیی یا الله

الشروع در ادعیه مجیده [illegible]

یا ممیت یا الله یا مجیب یا الله یا معطی یا الله یا مفضل
یا الله یا منعم یا الله یا حق یا الله یا فصیح یا الله یا
طبیب یا الله یا محیی یا الله یا مبدئ یا الله یا معید
یا الله یا بارئ یا الله یا بدیع یا الله یا هادی یا الله
یا کافی یا الله یا شافی یا الله یا علی یا الله یا حنان
یا الله یا منان یا الله یا ذا الطول یا الله یا متعالی
یا الله یا عدل یا الله یا ذا المعارج یا الله یا صادق
یا الله یا دیان یا الله یا باقی یا الله یا ذا الجلال یا الله
یا ذا الاکرام یا الله یا محمود یا الله یا معبود یا الله
یا صانع یا الله یا معین یا الله یا مکون یا الله یا
فعال یا الله یا لطیف یا الله یا جلیل یا الله یا غفور
یا شکور یا الله یا نور یا الله یا حنان یا الله یا قدیم
یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله
یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه یا الله یا رباه
یا الله یا الله یا الله اسئلک ان تصلی علی محمد
و آل

[illegible] انشاء الله تعالی [illegible]

و آل محمد و تمن علی برضاک و تغنینی عن [illegible] بحلالک
و توسع علی من رزقک الحلال الطیب من
حیث احتسب و من حیث لا احتسب فانی عبدک
لیس لی احد سواک و لا احد اسئله غیرک یا ارحم
الراحمین ما شاء الله لا قوة الا بالله
العلی العظیم پس بسجده برود و میگوید یا الله یا الله
یا رب یا الله یا رحیم یا رب یا الله یا منزل البرکات یا الله
بک انزل کل حاجة اسئلک بکل اسم فی مخزون
الغیب عندک و الاسماء المشهورات عندک
المکتوبة علی سرادق عرشک ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تقبل منی شهر رمضان و تکتبنی
من وافدی بیتک الحرام و تصفح لی عن
الذنوب العظام و تستخرج یا رب کنوزک
یا رحمن و در روایت دیگری [illegible] مرتبه [illegible]
[illegible] مرتبه [illegible] سجده شکر [illegible]

[illegible] حالات [illegible] عید

مستحب است بعد از نماز مغرب و عشا و نماز صبح شب عید و نماز عید این
تکبیرات را بگوید الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله
اکبر الله اکبر و لله الحمد الله اکبر علی ما هدانا
[illegible] پس زکات فطره واجب موکد است
[illegible] و شرط قبول [illegible]
قبول روزه ماه مبارک است چنانچه از حضرت صادق ع
منقولست که [illegible] روزه [illegible] زکات [illegible]
فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] زکات فطره [illegible]
[illegible]
حفظ کند چنانچه [illegible] منقولست که حضرت صادق ع
[illegible] جمیع عیال [illegible]
[illegible]

تعیین مقدار [illegible]

[illegible]
جنس فطره مشهور آنست که هرچه قوت غالب [illegible]
[illegible] چنانچه مردم شهر قوت غالب ایشان نان
گندم است بهتر آنست که گندم بدهند و مردم [illegible] قوت
غالب ایشان نان جو است جو بدهند [illegible]
[illegible] یک صاع [illegible]
[illegible] مقدار فطره از هر شخصی یک صاع باید داد و صاع
موافق حساب مشهور [illegible] مثقال
[illegible] احوط آنست [illegible]
[illegible] احتیاط آنست [illegible]
[illegible] قوت سالیانه خود و عیال [illegible]
[illegible] احوط آنست [illegible]
[illegible] احوط آنست که در زمان غیبت امام ع مجتهد
جامع الشرائط عادل بدهند [illegible]
[illegible] واجب [illegible]

سابق بطال عمّا ... ان الله ... [illegible]

واحوط آنست که فقیر نیز اگر یک صاع بدهد و یک کس چند

سر بدهد و او ده بدهد ... غیر واجب النفقه داد بهتر است

و جدا از ایشان ... [illegible] ... هر یک ... [illegible]

و صالح ... [illegible] ... مستحق ... [illegible]

... [illegible] ...

و مستحب است که در روز عید پیش از نماز عید ... [illegible]

روزه افطار کنند و سنت است که به خرما افطار کنند و غسل

روز عید سنت مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند

و از حضرت صادق ع منقولست که غسل را در زیر سقفی کن

و چون در زیر آسمان کن و پیش از غسل بگو اللهم ایمانا بک

و تصدیقا بکتابک واتباع سنة نبیک محمد صلی الله علیه و آله

پس بسم الله بگو و غسل کن و چون از غسل فارغ شوی

بگو اللهم اجعله کفارة لذنوبی وطهر دینی اللهم اذهب

عنی الدنس و زیارت حضرت امام حسین ع در روز عید

سنت مؤکد است و ثواب بسیار وارد شده و نماز عید ... [illegible]

[illegible]

باطل و ناجز ... [illegible] ... کرده ... [illegible]

حضور امام ع واجب است و در زمان غیبت امام ع اکثر

علما سنت میدانند و بجماعت کردن را سنت میدانند

و میگویند تنها نیز میتوان کرد و بمکان فقیر واجب است که بجما

عت بکنند و بنماز مجتهد عادل حاضر شوند و اگر نخواهند

حاضر شوند تنها کردن سنت است و این نماز دو رکعت است — نماز عیدین

رکعت اول بعد از حمد سورهٔ سبح اسم ربک الاعلی

پنج تکبیر میگوید و بعد از هر تکبیر قنوت میخوانند و در رکعت

دوم بعد از قراءت حمد و سورهٔ والشمس چهار تکبیر میگویند

و چهار قنوت میخوانند و قنوت مخصوص وارد و اگر کسی

آن را نداند آنچه در قنوت نمازهای دیگر میخوانند بخواند و

وجهی که بجماعت کنند پس از نماز دو خطبه بعد از نماز بخواند

و قنوت مخصوص نماز اینست اللهم انت اهل الکبریاء

والعظمة واهل الجود والجبروت واهل العفو

والرحمة واهل التقوی والمغفرة اسئلک بحق

هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیدا ولمحمد

[illegible]

الیوم ... [illegible]

صلی الله علیه و آله ذخرا و کرامة و شرفا و مزیدا

ان تصلی علی محمد و آل محمد وان تدخلنی فی

کل خیر ادخلت فیه محمدا و آل محمد وان تخرجنی

من کل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد

صلواتک علیه وعلیهم اجمعین اللهم انی اسئلک

خیر ما سألک به عبادک الصالحون واعوذ

بک مما استعاذ منه عبادک المخلصون و بعد از نماز

عید دعای ... بسیار وارد شده است و بهترین

دعاها دعای صحیفه کامله است و نماز عید قربان نیز همین

قرار دو رکعت میباشد غسل نیز در روز عید قربان

سنت مؤکد است و در این عید ... [illegible] ... که بعد از

... نماز از گوشت قربانی ... و از جمله احکام این عید

قربانیست و آن سنت مؤکد است و بعضی از علما آن را

واجب دانسته اند اگر قدرت داشته باشد ... [illegible]

... [illegible] ...

[illegible]

... بعد از نماز ... کار خیر ... [illegible]

روز عید بعد از نماز ... بخورد و بکشد و از برای عیال خود اگر خواهد

بکشد و بهتر آنست که در روز عید بکشد و در روز یازدهم

و دوازدهم نیز میتوان کشت و اگر در منی باشد روز سیزدهم

نیز میتوان کشت و بهتر آنست که در دهه ذی الحجه ... [illegible]

و مکروه است قربانی کردن حیوانی که در خانه تربیت کرده

باشند و می باید که یا شتر یا گاو یا گوسفند یا بز بوده

باشد و حیوانات دیگر را قربانی نمیتوان کرد اگر شتر باشد پنج

سال تمام شده باشد و زیاده و اگر گاو و بز باشد باید یک

سال تمام شده باشد و داخل در سال دوم شده باشد و اگر

دو سال تمام داشته باشد بهتر است و اگر گوسفند ...

... شش ماه کافیست و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است

و باید نقصی در اعضا نداشته باشد ... کور و یک چشم

... و بسیار لاغر نباشد که از راه رفتن باز ماند

... و گوشش بریده نباشد و اگر ... [illegible]

... [illegible] ... و اگر

لا خطا فی هذا الامر ... بهتر است باید که ...

بهتر است و باید که معز ... شکسته نباشد و اگر
پوستش نیز شکسته باشد بهتر است و بهتر آنست که
بیمار و بسیار پیر نبوده باشد و گوسفند که فربه باشد و باید که
لب لاغر نباشد که چون ... نباشد و باید که خصی
نباشد یعنی خصیه کوبیده باشند و مکروه است اگر خصیه را
مالیده باشند و اگر نیابد خصی ... خصی را قربانی
میتوان کرد و سنت است که اگر قربانی شتر باشد
ماده باشد و اگر گوسفند یا بز باشد نر باشد و سنت است
که خود بکشد و اگر نتواند دست بر روی دست قصاب بگذارد
و قصد بکند و طریق کشتن آنست که اگر شتر باشد نحر کند
یعنی حربه را ... بالای ... بر گودال ... گردنش
فرو برد و اگر بعوض آن ذبح کند حرام میشود و واجبست
که رو بقبله بکشد و نام خدا ببرد و سنت است که ...
ایستاده بدارد رو بقبله و هر دو دستش را از سر ... تا زانو
... با ... بر یکدیگر ... و اگر ...

... کردند

... باب ... در ... وقت ... بهتر است ...
به ... است

و سنت است ... باشد ... و اگر ...
یا گوسفند یا بز باشد باید چهار رگ را از گردنش ببرد
یعنی حلقوم و دو رگ بزرگ که در دو جانب حلق
است و رگی که در پشت حلقوم است که آب و علف
از آن رگ بجوف او میرود و اگر ... حرام میشود
و سنت است که دعائی بخواند در وقت کشتن چنانچه ... دعای ذبح
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که ...
روی ... بقبله کن و در وقت نحر یا ذبح بگو وجهت وجهی
للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما وما انا
من المشرکین ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی
لله رب العالمین لا شریک له وبذلک
امرت وانا من المسلمین اللهم منک ولک
بسم الله والله اکبر ... نحر یا ذبح کند و بگوید
اللهم تقبل منی ... که ... دو حصه را ...
... بهتر است ... سنت است که ... حصه را ...

توکل علی الله ... و ...

و اهل خانه ... بهتر است که خود ... افطار کنند
یک ثلث را ... بهدیه بفرستند و اگر ... ثلث
باشند بهتر است و یک ثلث را بفقرا و سؤال کنندگان بدهند
و اگر ... را تصدق کند شاید بهتر باشد و سنت است که پوست
... و ... حلال ... آن را تصدق کند ...
و بقصاب ... اگر ... بعنوان
تصدق ... و در حدیث صحیح ... گوشت
... و ... که ... آن ...
و اگر ... است ... و سنت است که ...
را تصدق کند و اگر ...
... و اگر ...
... بهتر است و اگر ...
... و ... اولاد ...
باشند ... و اگر از برای حضرت رسول
و ائمه معصومین علیهم السلام قربانی کنند ...

...

... که ... چه ...
... خوب است
خوب ... و اگر جمعی ... باشند که ... چند
... جایز است که با هم شریک شوند تا هفت نفر ...
نفر و حق تعالی ... خدا را یاد کنید در ایام
معدودات یعنی در روزهای چند شمرده شده و در احادیث معتبر
منقولست که مراد تکبیر گفتن است در ایام منی ... بعد هر که
در منی باشد عقب پانزده نماز بگوید که اول نماز ظهر روز عید است و آخر نماز صبح
سیزدهم و در سایر شهرها عقب ده نماز بگوید که از ظهر روز عید است تا صبح
روز دوازدهم و مشهور آنست که سنت است و بعضی واجب دانسته‌اند و اقلش بعد
از هر نماز یکمرتبه است و اگر مکرر بگوید بهتر است و بعد از نمازهای نافله نیز ... خوبست
و طریق تکبیر موافق احادیث صحیح اینست الله اکبر الله اکبر لا
اله الا الله والله اکبر الله اکبر علی ما هدینا الله اکبر علی
ما رزقنا من بهیمة الانعام والحمد لله علی ما ابلانا ...
... کرد ... زکوة واجب میشود ... اول طلوع
... باشد و ... باشد ...
... مقدار ... زکوة ...

حکمت ... اجتماع

[illegible] بالسنة [illegible]

بعد از ده سال چهل و یک [illegible] است [illegible]
[illegible] درهم برسد [illegible]
[illegible]
[illegible] چهل [illegible]
[illegible] پنج [illegible] اول [illegible]
[illegible] یک گوسفند است [illegible]
[illegible] گوسفند است [illegible]
[illegible] پنجم [illegible]
[illegible] گوسفند [illegible] احوط آنست که [illegible]
[illegible] اگر [illegible]
[illegible] یک ساله یا در [illegible]
[illegible]
[illegible] سه ساله یا در چهار [illegible]

[illegible] بیست و پنج [illegible]

چهار ساله یا در [illegible] نصاب [illegible] شش شتر است [illegible]
[illegible] دو ساله [illegible]
[illegible] سه ساله یا در چهار [illegible] صد و بیست و یک [illegible]
[illegible] یک شتر [illegible] سه ساله [illegible]
گاو [illegible] سی گاو یک گوساله [illegible] ساله یا در
[illegible] چهل گاو یک گاو ماده دو ساله [illegible]
پنج گوسفند [illegible] چهل گوسفند یک [illegible] واجب است و در
صد و بیست و یک گوسفند دو گوسفند و در دویست و یک
گوسفند سه گوسفند واجب است و در سیصد و یک گوسفند
احوط آنست که چهار گوسفند بدهند [illegible] برسد
[illegible] یک گوسفند [illegible]
[illegible] گوسفند شرط است [illegible]
[illegible] باشند در تمام سال پس اگر علف مملوک خود [illegible]
زکوة واجب نیست و اگر بعضی از سال [illegible] باشند و بعضی
[illegible] ملک خود [illegible] باشند احوط آنست که اگر [illegible]

[illegible]

[illegible] زکوة بدهند [illegible]
[illegible] احوط آنست که [illegible]
[illegible] در طلا و نقره و حیوانات شرط است
[illegible] سال زکوة [illegible] واجب
[illegible] داخل شد زکوة واجب [illegible]
[illegible] شرط است [illegible] پس اگر [illegible]
[illegible] زکوة واجب نیست [illegible] گوسفند [illegible]
[illegible]
[illegible] و مویز است و شرط است [illegible] نصاب
[illegible] سنگ [illegible]
[illegible] احوط آنست [illegible]
[illegible] پس اگر گندم و جو را [illegible] زکوة
[illegible] واجب است و اگر [illegible]
[illegible] واجب است و اگر [illegible]

[illegible]

[illegible] زکوة [illegible]
[illegible]
[illegible] مستحق زکوة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] احوط آنست [illegible]
[illegible]
[illegible] زکوة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] و اگر [illegible] زکوة واجب [illegible]
[illegible] زکوة [illegible]
زکوة [illegible]

انبع وقسمت بمعالقشری [illegible] اسعاف و [illegible]

[illegible] است [illegible] در [illegible] زکوة

بجز [illegible] ادا کنند [illegible] قرض [illegible] قرض کرده باشند

و [illegible] کرده باشند [illegible]

و [illegible] سبیل الله است یعنی [illegible] راههای خدا [illegible]

[illegible] سبیل الله [illegible] علیهم

السلام و [illegible] و [illegible] اشهاد و بعضی گفته

اند که مخصوص جهاد است [illegible] جهاد [illegible]

او [illegible] ششم ابن سبیل است و [illegible] است که

[illegible] و خرج [illegible]

[illegible] ابلد [illegible]

[illegible] زکوة [illegible]

[illegible] اثنی عشریه [illegible] است که

[illegible] کنند [illegible]

و دیگر [illegible] است [illegible] واجب السقوط [illegible]

و [illegible] بالا [illegible]

منبع کم [illegible] کنند [illegible]

[illegible] زکوة [illegible]

[illegible] واجب النفقه [illegible] اگر [illegible]

باشند [illegible] زکوة [illegible] زکوة [illegible]

[illegible] احوط است

[illegible] است که زکوة [illegible]

عالم [illegible]

اما خمس [illegible] جیز واجب میشود اول

[illegible] در جنگ [illegible] در جنگ [illegible]

[illegible] طلا و نقره و [illegible]

و [illegible] و غیره [illegible]

[illegible] اخراج [illegible]

[illegible] و مشهور آنست که نصاب ندارد و بعضی گفته اند

[illegible] یک دینار است [illegible] خمس واجب [illegible]

[illegible] و بعضی بیست دینار گفته اند یعنی بیست اشرفی [illegible]

[illegible] است و اکثر [illegible] قائل شده اند [illegible]

[illegible] بجمیع [illegible]

از [illegible] است و اگر چند کس شریک [illegible] باشند باید حصه هر یک

[illegible] بیست [illegible]

باشند [illegible] اگر [illegible] طلا و نقره [illegible]

[illegible] السلام و [illegible] بیست دینار [illegible]

یعنی [illegible] اگر طلا باشد خمس [illegible] اند [illegible]

و اگر نقره [illegible] است [illegible]

[illegible] و اگر [illegible] طلا و نقره [illegible]

قیمت [illegible]

[illegible] باشد [illegible] علامت [illegible]

[illegible] مشهور [illegible] علما آنست [illegible] حکم لقطه وارد [illegible]

[illegible] مال [illegible] اگر [illegible] صاحب

[illegible] مالک [illegible]

[illegible] اگر [illegible]

و [illegible] اگر [illegible]

[illegible] لقطه است و اگر [illegible]

[illegible]

[illegible] بر [illegible] شود [illegible]

[illegible] اسلام داشته [illegible]

[illegible] خالی از [illegible] است و اگر [illegible]

[illegible] است و اگر خمس [illegible]

احوط است و اگر [illegible] مشکل [illegible]

[illegible]

علی المشهور و الا [illegible] احوط آنست [illegible] خمس [illegible]

[illegible]

[illegible] اگر [illegible]

[illegible] خمس است و اگر [illegible] خمس [illegible]

[illegible] حیوانات [illegible]

[illegible] اگر [illegible] مالک [illegible]

احوط آنست [illegible] است [illegible]

[illegible] مشهور آنست که [illegible] بیست [illegible]

اشرفی تمام و بعضی بیست دینار گفته اند و اگر چه [illegible]

کما لو لم یکون فیه تلبیث بالمهر والبسر [illegible]

[illegible] با هم جنگ میکنند چه چند کس شریک
باشند حصه هر یک [illegible] برسد [illegible]
[illegible] حکم [illegible] و اگر از [illegible]
[illegible] مشهور آنست که حکم معدن دارد احوط آنست
که هر مال خمس آنرا بدهد [illegible]
[illegible] است از ارباح تجارت [illegible]
و جمیع کسب مشهور آنست که [illegible]
خمس [illegible] که هر روز [illegible] میکنند قدر
وسط مناسب حال آن شخص را اعتبار کرده [illegible] اگر
اسراف کرده باشند خمس آنرا که اسراف کرده است [illegible]
میکنند و اگر بر خود تنگ گرفته باشند آنرا هم [illegible]
علی المشهور و احوط آنست که از هر چه زیاد آید [illegible]
بلکه نهایت احتیاط آنست که هر چه حاصل شود [illegible]
[illegible] خمس [illegible]
سال اخراجات ضروری واقع شود مثل [illegible] که [illegible]

ورخ بکنت

طراز [illegible] خطر [illegible] مبالغه [illegible]

ورخ بکنت [illegible] رسول [illegible] صلوات الله
علیهم و امثال اینها همه را بقدر وسط [illegible] میکنند
[illegible] ظلم [illegible] کنند جمیع [illegible]
میکنند خمس بقیه را [illegible]
[illegible]
[illegible] خمس [illegible] آنرا [illegible] و اگر [illegible]
[illegible] مشهور [illegible] آنست که خمس
آنرا [illegible] و اکثر [illegible] علما [illegible]
[illegible] حلال [illegible] که [illegible] شده باشد
[illegible] صاحب [illegible] خمس آنرا [illegible]
سادات [illegible] آنرا مخصوص سادات میدانند
و بعضی گفته اند که [illegible]
[illegible] و اگر [illegible]
[illegible] خمس [illegible]
[illegible] صاحب [illegible]

[illegible] الاجبار [illegible]

صلح کنند و بعضی گفته اند که [illegible]
[illegible] صلح میکنند احتیاط [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
خمس [illegible]
[illegible]
آنست [illegible] مشهور میان علما آنست که [illegible]
[illegible] آیه کریمه [illegible] رسول و لذی القربی
[illegible] خمس [illegible] حضرت رسول [illegible]
[illegible] سادات [illegible]
سادات [illegible] سادات [illegible]
مشهور [illegible] عبد المطلب [illegible]
[illegible] احوط آنست
که [illegible]

[illegible]

اگر [illegible]

و اما [illegible] امام [illegible]
خمس [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] سادات میدانند [illegible]
[illegible]
[illegible] از حصه [illegible]
[illegible] امام [illegible] احوط آنست که [illegible]
[illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible] خلاف [illegible]
مشهور آنست [illegible]
[illegible] سادات [illegible] حفظ کنند
[illegible]
و الا [illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] سادات [illegible]
[illegible] گفته اند که [illegible] غیبت امام [illegible]
بر شیعیان حلال کرده [illegible]

شرح [illegible]

صاحب الامر صلوات الله علیه بعد [illegible] رسید که [illegible] شیعیان [illegible]
کمر همت [illegible] خلافت [illegible] حضرت [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] رضی الله عنه [illegible]
[illegible] آنحضرت
[illegible] آنحضرت
[illegible] علمای [illegible]
[illegible] آنحضرت [illegible]
[illegible] خلق الله [illegible]
[illegible]
[illegible] اخلاق [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] حق [illegible]
[illegible] خلق [illegible]
[illegible] ایشان [illegible]
[illegible] اضطرار [illegible] رحم [illegible]
[illegible] حال [illegible]
احوال مردم [illegible] خمس [illegible]
[illegible] خمس [illegible]
صاحب مال [illegible] امام [illegible]
[illegible] خمس [illegible]
[illegible]
[illegible] احوال [illegible]
[illegible] امام [illegible]
[illegible] حقوق خدا
[illegible]

قال [illegible] الامر [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] امور [illegible]
[illegible]
[illegible] السلام [illegible]
[illegible] حضرت [illegible]
[illegible]
[illegible] علیهم [illegible]
[illegible]
[illegible] عقل و نفس [illegible]
[illegible] رسول الله [illegible]
[illegible] اللهم فاطر السموات و [illegible]
[illegible]

[illegible]
عالم الغیب والشهادة [illegible] الرحیم اللهم انی اشهدک [illegible]
انی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک
وان محمدا صلی الله علیه وآله عبدک ورسولک
وان الساعة آتیة لا ریب فیها وانک تبعث من فی
القبور وان الحساب حق وان الجنة حق
وما وعد فیها من النعیم من الماکل والمشرب والنکاح
حق وان النار حق وان الایمان حق وان الدین
کما وصفت وان الاسلام کما شرعت وان القول
کما قلت وان القرآن کما انزلت وانک انت الله الحق
المبین وانی اشهدک [illegible] انی رضیت بک ربا
وبالاسلام دینا وبمحمد صلی الله علیه وآله نبیا وبعلی اماما
وبالقرآن کتابا وان اهل بیت نبیک علیه وعلیهم
السلام ائمتی اللهم انت ثقتی عند شدتی ورجائی
عند کربتی وعدتی عند الامور التی تنزل بی وانت ولیی

و من اسمائک ... اذا دعیت ... خیرا قالت خیرا ...

فی غمرتی و البلوی و البلاء ... صلّ علی محمد و آله و لا تکلنی
الی نفسی طرفة عین ابدا و آمنی فی قبری و ... و اجعل
لی ... الی یوم ... پس حضرت رسول
فرمود ... میت هست ... [illegible]
... واجب است ... [illegible] ... معتقدات
چنانچه در کتب ... ذکر کرده ام ... [illegible]
برساند ... [illegible] ... احتیاط ... شود
بعد ... [illegible] ... استغفر الله ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
او قرآن را بخوانند ... سوره ... [illegible]
... حضرت رسالت ... [illegible]
... [illegible]
و بهشت و دوزخ ... بر اعتقادات حق ... [illegible]
... [illegible]
... خواند

کار ما بعضی ... چون قصد کرده تا خبر ... برای ... [illegible]
... [illegible] ... که ... [illegible]
... [illegible] ... اگر ... [illegible]
را بفارسی ... کنند که در ... وقت شیطان ... [illegible]
بیاید که او را از دین برگرداند و باید که کلمه لا اله الا الله را ...
بگوید دیگر تلقین او کنند و احوط آنست که ... [illegible]
... بگردانند تا ملائکه رحمت ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که هر گاه
کسی را در وقت جان کندن ... باید کلمات فرج را تلقین او کنید
و کلمات فرج اینست لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله
الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات
السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و ما تحتهن و ...

علی ما ... [illegible]
العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین و در حدیث
دیگر منقول است که چون این کلمات را تلقین کسی میکردند ...
حضرت امیر المؤمنین ... [illegible]
و حضرت رسول ... این کلمات را تلقین شخص کردند ...
... حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند الحمد لله خدا او را
از آتش جهنم نجات داد ... [illegible]
... تلقین او کنند یا من یقبل الیسیر و یعفو
عن الکثیر اقبل منی الیسیر و اعف عنی الکثیر انک انت
الغفور الرحیم و در روایت دیگر انک انت ... الغفور ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
قرآن بخوانند ... بر دارند ... چهار کس بر دارند
... تشییع جنازه میکنند ... دست راست
میت را ... جانب چپ جنازه ... [illegible]
... [illegible]

بر خدای تعالی توکل کند ... و از جمله ... توکل کند ... [illegible]
از خدای تعالی ... [illegible]
بر دارد و پس پای راست میت را ... بدوش راست بر دارد
پس از پشت جنازه ... پای چپ میت را بدوش چپ
خود بر دارد پس دست چپ میت را بدوش چپ بر دارد
و ... باره دیگر تشییع کنند از پیش جنازه ... [illegible]
... [illegible]
و غسل دادن میت ... احکام ... غسل ... [illegible]
و کفن کردن و نماز کردن و دفن کردن و احکام ... [illegible]
... واجب است و اگر ... کنند ... ساقط
... و اگر همه ترک کنند همه معاقب میشوند ... [illegible]
... [illegible]
غسل نمیدهند و کفن نمی کنند ... نماز می کنند و با جامه های ... [illegible]
دفن میکنند ... [illegible]
... [illegible]
... غسل ... و کفن و دفن میکنند ... [illegible]

که اکثر ... مرده ... از طهارت ... مطلع ... فرمود ...
سنت و بعضی ... غسل ... گرده اند در غسل ...
... آنست که ... و احوط است ... مرد ... غسل بدهد
و اگر زن ...
غسل میتواند ... در هر ... سال ... کرده اند اما کیفیت
غسل ... آنست که ... غسل ...
... کنند غسل ...
...
پس ... غسل ...
... و مستحب است که ...
غسل ... میت ...
و ...
...
و اگر ...
که ... غسل ...

مباشر دیگر کار خود دیگری پس به درستیکه خدای تعالی مهربان برعایت کردن اطفال ...
و ایست ... و سنت است
آنست که واجب است اول ازاله نجاست از بدن میت بکنند و سنت است
که در زیر سقفی یا خیمه غسل دهند و مکروهست که برابر آسمان غسل دهند و سنت است
که غسل دهنده دو نفر باشند یکی آب ریزد و دیگری بگرداند میت را و مستحب
است ... انگشتان میت را باید ... نرم نمایند و واجبست که میت را سه غسل
بدهند اول با آب سدر و بعد از آن میت را بشویند و احوط است که لته بر دامن
بر بندند که در شستن عورت ... و اگر ... بشویند بهتر است و سنت است
که اول عورت میت را ... سدر و اشنان ... بشویند و آب بسیار
بریزد که خوب پاک شود پس دست ... بالای شکمش بگذارند و ...
... کشد که اگر فضله باشد بیرون آید اگر چیزی بیرون آید باید مخرج را بشویند پس
... سنت است که تا مرفق بشویند ... که دست بر میت میگذارد
پس وضو بدهد میت را ... وضوی زندگان با آب خالص و بعضی واجب
دانسته اند و نیت کنند که وضو میدهم این میت را قربة الی الله پس او را
... بشویند و سر ... را ... کنند پس ابتدا کنند بغسل و ...

... الله ...
... آنست که آب ریزنده ...
و بهتر آنست که ... اول بکنند و از برای غسل کافور ...
... جدا بکنند پس اول نیت میکنند که این میت را غسل میدهم با آب
سدر و کافور ... واجب است از برای رضای خدا قربة الی الله
پس میت را با آب سدر بشویند و احوط آنست که اول جانب راست
سر ... بریزد و بعد از آن ... چپ و سنت است که ...
سه مرتبه بشویند پس میت را بر پهلوی چپ بخوابانند ...
بشویند و سنت است ... سه مرتبه ...
... و اگر ...
... آب ...
...
...
... بر پهلوی ... سه مرتبه بشویند ...

...
... و مشهور آنست که ... و بعضی گفته اند ...
...
... غسل بوده ...
و احوط آنست که ... غسل ...
و در بعضی روایات ...
و شاید ... پس میت را ...
...
...
...
... و بهتر آنست که ...
...
آب ریزنده ... نیت کنند که این میت را غسل میدهم با آب
کافور از برای آنکه واجبست از برای خدا قربة الی الله پس ... بشوید

دهن او جاری اثر آن جاری علی الله تکان دلیله داخر و دعا قطعه
و سنت است که سه مرتبه شسته شود و در هر مرتبه ابتدا بجانب راست سر
بکند و کردن داننده بهوای دیگر بجا آرد پس جانب راست را سه مرتبه و جا
نب چپ را سه مرتبه بهمین دستور در غسل سدر مذکور شد بشویند پس میت را بر
پشت بخوابانند و باز دست خود را تا مرفق بشویند پس میت را بر پشت
و ظرفهای آب بشوید که اثر از سدر و کافور در آنها نماند و اگر سبوی دیگری
برای آب قراح مهیا کند بهتر است و احوط آنست که آب غسل قراح را از
حوضی که سدر و کافور در آن ریخته برندارند و از آب بردارند که اینها مطلق
در آن داخل نشده باشد پس دستهای میت را تا نصف ذراع سه مرتبه
بآب خالص بشوید استحباباً و فرج میت را نیز بآب خالص سه مرتبه
بشوید و اگر در این وقت نیز بار دیگر میت را وضو دهند شاید بد نباشد پس
احتیاطاً نیت کنند که غسل میدهم این میت را بآب قراح از جهت آنکه
واجبست قربةً الی الله پس سر را سه مرتبه و جانب راست را سه
مرتبه و جانب چپ را سه مرتبه بشویند که یک مرتبه واجب و دو مرتبه
سنت است

کسیکه هجرت کند بسوی خدای تعالی باشد یاری و نصرت و پناه بسوی اوست در میانه
سنت است و بهتر آنست که گرداننده بیدار او در وقت آب ریختن د
دست بکشد بر بدن میت نمی کند و چون از این هر سه غسل فارغ شوند اگر
خوف خروج نجاستی باشد قدری از پنبه در دبر او داخل کنند و همچنین در دهان
و بینی او قدری از پنبه داخل کنند و اگر خوف بیرون آمدن خون
و نجاست نبوده باشد پس سنت است که بدنش را بجامه خشک
کنند و بعد از آن او را بر روی جامهای کفن بگذارند و سنت است
که هر کس که میت را از جای خود برگیرد این دعا بخواند اللّهمّ انّی هذا البدن
عبدک المؤمن و قد اخرجت روحه منه و فرّقت بینهما
فعفوک عفوک و اگر زن باشد بگوید اللّهمّ انّ هذه البدن
امتک المؤمنة و اگر نزدیک ها بگوید بهتر است و در سایر احوال غسل
بگوید ربّ عفوک عفوک خدا او را بیامرزد چنانکه از مادر متولد شده
و سنت است که غسل دهنده از جانب راست باشد و گودالی در
برابر قبله بکنند و نشست سر از ... آب غسل در آن گودالی ریزند و

لا تعجل فی الامور فان الله قاضی الحاجات بفضل حاجتک بر عقب
و مکروه است که آب غسل را بجائی که در آن بول و غایط کنند سر دهند و اگر
خانه آب باشد که گنداب خانه ها در آن ریزند قصوری ندارد و مکروه است
میت را بآب نیم گرم غسل دادن مگر در حال ضرورت و مکروه است که
میت را در میان پاهای خود درگیرند و ایضاً مکروه است که ناخن میت را
بگیرند یا شانه کنند و اگر بگیرند ناخن و موها یا موی در اثنای غسل جدا شود
باید که در میان کفن گذارد و با میت دفن کنند حتی منقولست که دندا
نی از حضرت باقر ع کنده شد بحضرت صادق ع داد و فرمود که با من دفن
کن در قبر و اگر سدر و کافور یافت نشود یک مرتبه بآب قراح غسل دهند
و احوط آنست که سه مرتبه غسل و اگر بعضی از اینها بهم رسد احوط آنست
که مرتبه دیگر او را سه غسل دهند و اگر آب بهم نرسد یا میت را غسل نتوان
داد که خوف آن باشد که بدن جدا از هم بپاشد تیمم دهند او را دفعه ای
یک تیمم کافی باشد و سه تیمم احوط است و بهتر آنست که تیمم را چنین
بارها نیت کنند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسلهای سدر و
و کافور

آب بکنند در کار ما بدر آید که خدای تعالی بر آورنده حاجاتست بر می آورد حاجت تو را بعقب
بدست
و کافور و قراح از جهة آنکه واجبست از برای رضای خدا قربةً الی الله و تیمم
دیگر را قصد کنند که تیمم میدهم این میت را بدل از غسل کافور احتیاطاً قربةً
الی الله و همچنین قراح را چون نیت کند دست راست خود را بر خاک
زند و بر پیشانی میت کشد و دیگر بر پشت دست راست میت کشد
و بعد از آن بر پشت دست چپ و اگر بعد ضرب تیمم دهد یکی از برای
رو و یکی از برای دستها خوبست و اگر میت محرم باشد او را غسل کافور
ندهند و حنوط نکنند فصل ششم در ذکر کفن در کفن کردن میت است و
واجبست میت را سه پارچه کفن کنند و اکثر علما گفته اند که اول آنها لنگ
است که از ناف تا بزانو یا ساق را بپوشد و بعضی گفته اند که سنت است که
سینه را بپوشانند و تا پا برسد و دوم پیراهن است و سیم سرتاسری که جمیع
بدن را بپوشند و بعضی از علما گفته اند دوم پیراهن است و دو سرتاسری و جایز است
که بجای پیراهن یک سرتاسری دیگر بکنند که مجموع سه سرتاسری باشد و
این قول اظهر است و احادیث معتبره بر این دلالت و احوط آنست

در بیان کفن میت

[illegible]

في هذا الامر خير وبركة ولكن لا بد لك من هذه قبل بوجك لبيك

و پاپیچها کنند و تنگ نیز بکنند و با فرو رفت یک سر تا سر کاملیست و باید
که کفن حریر محض نبوده باشد و احوط آنست که کفن زنان نیز حریر
محض نباشد و احوط آنست که کفن از پوست نبوده باشد و بهتر آنست
که از ابریشم و مو نیز نباشد و مستحب است که از جنس سفید بوده باشد و علما گفته
اند که سنت است که اول جانب چپ لفافه را بر جانب راست
میت اندازند بعد از آن جانب راست لفافه را بر جانب چپ
میت اندازند و بهتر آنست که چنین کنند اگر چه مشهور نظر رسیده
و سنت است که خرقه طویلی که عرضش یک شبر و نیم و طولش
تقریباً سه ذرع و نیم بوده باشد بذراع دست زیاده کنند برای ران پیچ تا
با آنکه سر آنرا بکشند و بر کمر میت ببندند و پنبه بسیار بر دبر و فرج میت
بگذارند و اگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند و اگر بر پنبه قدری کافور بپاشند
نباید بد نباشد و سر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند و از زیر آنچه در
کمرش بسته اند بیرون آورند و محکم ببندند که فرج را و پنبه را که گذاشته

اند فرج را کرد

در این کار خیر و برکتست و لکن ناچار است از برای تو چند قدر دادن و متوجه شدن بوی آن کار
در میان

فرا گیرد و پاها را بهم آورند و رانها را با یکدیگر با آن خرقه سخت ببندند
و بپیچند تا زانوها و بهتر آنست که منتهی شود و سرش را در آنچه پیچیده اند فرو برند و
سنت است که عمامه از برای مرد زیاد کنند که بر دور سرش بگردانند و موافق
مشهور بزیر حنکش بگردانند و سرهای عمامه را از هر دو طرف بدر آورند و
بر سینه میت بیندازند چپ را بر جانب راست و راست را بر جا-
نب چپ اندازند و بدل از عمامه مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند و پارچه
بر سینه زن ببندند که پستانهای او را بگیرد و در پشتش گره زنند و مکروه است
که کفن از کتان باشد یا پیراهنی که تازه کنند آستین داشته باشد اما اگر
میت را در پیراهن خودش کفن کنند در کار نیست در بریدن آستین
و دامن آستین پاکی میت اما تکمه ها و بندهایش را ببرند و سنت است
که میت را کفن کنند در پیراهنی که در آن نماز میگذارده است و اگر در پیراهنی
بعضی از علما و صلحا کفن کنند نباید بد نباشد و مستحب است که در جامه که
در آن احرام بسته است در حج یا عمره کفن کنند و مستحب است

انه خير في هذا الامر خيرة وراحة

و کفن را خوش قماش و صاحب قیمت بگیرند چنانچه در حدیث وارد شده
است که نیکو کنند کفنهای مردگان خود را که زینت ایشان است و با آن کفنهای در
قیامت محشور خواهند شد و سنت است که در قیمت کفن مضایقه و مجادله
نکنند و کفن از مال بسیار حلال باشد بلکه سنت است که موافق مشهور
که بر کفن شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام وارد شده و سنت است
بنویسند و دعای جوشن و غیر آن در بعضی روایات وارد شده و سنت است
که بتربت حضرت امام حسین ع بنویسند و علما گفته اند و سنت است
و کفن را بریسمانی که از و بیرون آورده اند بدوزند و با آب تر نکنند و سنت
است که در وقت که غسل دهنده خواهد که میت کفن کند دستهایش را
تا مرفق بشوید و بعد از آن شروع کند در کفن کردن و واجبست
حنوط کردن میت را یعنی بر هفت موضع سجده او را که آن
پیشانی و کف دستها و زانوها و انگشت مهین پاها کافور بمالند
و اگر چه اندک باشد و بهتر آنست که سر بینی را نیز بمالند و بر سینه اش

تأخیر در این کار خیر و خیر را حث است جبر کردن

بر بینی بمالند و اگر کافور زیادتی باشد بر گردن و بندهای دست و مرفقها و زیر بغلها
و پیچ ران و بند انگشتان و سایر بندها را بمالد احوط است و بهتر آنست
که کافور حنوط کافور خام چون دانه بوده باشد و مقدار آن بقدر یک اشرفی یا
که چهار دانگ و نیم مثقال است و بهتر از این آنست که سه مثقال
باشد و بهتر از این آنست که سیزده درهم و ثلثی بوده باشد موافق
حنوط حضرت رسول صلعم که تقریباً هفت مثقال صیرفی بوده باشد
و بهتر آنست که کافور غسل از این مقدار نباشد و سنت مؤکد است
که دو جریده تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار وارد شده است
که تا این چوبها تر است میت را عذاب نمی کنند و بهتر آنست
که چوب درخت خرما بوده باشد و اگر یافت نشود چوب درخت
سدر کنند و اگر یافت نشود چوب درخت بید و اگر یافت نشود
چوب درخت انار و اگر بهم نرسد هر چوب تری خوبست و باید
که تر و تازه از درخت بریده باشند و چوب خشک را چند از

اذا عرفت على الامر فافعل فلا تحمل هما يحصل لك خيرا

از دو جهت خرمائی اما که شریف و بریده باشند فایده و نفع کنند باید هر یک
بقدر یک شبر بعضی تا یک ذراع گفته اند و بعضی گفته اند
که بقدر استخوان ذراع که از یک شبر بیشتر است و ظاهرا همه خوبست
و بعضی گفته اند که هیچ با نها به تجهیز تا رطوبت آن بیشتر بماند و یکی را از جا
نب راست بگذارند و سرش را بجنبر گردن گذارند و ملصق
ببدن کسازند و دیگری را از جانب چپ و میان پیراهن و سر تا سری
بگذارند و سر او نیز بجنبر گردن گذارند و بعضی گفته اند که لازم است
هر جریده نوشته شهادتین بنویسند تربت شریف و اگر تقیه مانع باشد جریده
نتوان در کفن گذاشت میان قبر بگذارند و اگر بعد از پر کردن قبر خاطر
نشان آید در میان قبر فرو برند و بدانکه کفن واجب میت از اصل مال
اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث و اگر چیزی نداشته باشد
رختهای او را تطهیر کنند و با نها کفن کنند و اگر آنهم نباشد برهنه دفن
کنند و بعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میت میتوان کرد و فاضل

از زکوه

چون نقد کرده بکار ببرد کفن کرده و کفن میاسی حاصل شود حاجت و وجهت
از قوت خود نیست و سنت موکد است که مسلمانان او را کفن کنند چنانکه
در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که هر که کفن کند
مومنی را چنانست که ضامن جامه او شده تا روز قیامت و هر که بکند
قبر از برای مومنی چنانست که او را در خانه موافق نیکوئی جا داده
باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجبست هر چند زن مالدار
باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجبست و اگر از میت
نجاستی بیرون آید بدن او را بشویند و اگر کفن آلوده شده تا در قبر نگذاشته
اند آنرا میشویند و اگر بعد بریده باشند مشهور آنست که آن موضع را مقراض
میکنند و کفن را از یکدیگر میکشایند که بدن میت پوشیده شود و
بعضی گفته اند که اگر ممکن باشد بعد از نشستن در اندرون قبر با انگشت
و افتابه بریزند و بشویند بهتر است خصوصا هرگاه بدن میت نجس شده
باشد و تطهیر آن لازم باشد و کفن را نیز با آن عنوان بشویند و این

اجلس على بساط الفقر والقناعة فان الرزق مقسوم والامر مقدر

اولی است و بعضی گفته اند که مکروه است که کفن را با جای مرده بدهند و گفته اند از
مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن نیز سنت است که پاهایش
بجانب قبله باشد و کسی که بجهاد با امام کشته شده باشد جراحتهای
بدنش را از [illegible] غسل میدهند اگر سر جدا شده باشد در هر غسل اول
سر را میشویند بعد بدن را و بعضی گفته اند که اگر خون بند نشود لازم است
بر بندند تا بند شود از حضرت صادق علیه السلام منقولست که در حکم چنین کسی
که اول خون را میشویند و آب بر وی میریزد در غسل و دست بر بدنش
نمی مالند و بر جراحتهایش پنبه و کافور میگذارند و محکم می بندند و همچنین
اگر گردنش بریده شده باشد و جدا نشده باشد کافوری باشند بر موضع
جراحت و پنبه بر آن میگذارند و بخرقه می بندند که خون بیرون نیاید و
اگر از بدن جدا شده باشد در غسل اول سر را میشویند و بعد از آن بدن را
و پنبه بر بالای گردن میگذارند و بعد از آن سر را بر روی گردن میگذارند و در

میان

بنشین بر بساط شکیبائی و قناعت پس بدرستیکه روزی قسمت کرده شده و کار با تقدیر گذاشته
و در میان کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند
و رویش را بجانب قبله میگردانند [illegible] در نماز میت و این نماز را
واجبست بر همه مسلمانان مگر بفوت شخص بهم رسانند و اگر یکی از ایشان بجا
آورد از دیگران ساقط میشود و واجبست نماز بر هر شیعه اثنی عشری که
بالغ باشد بخلاف و اشهر و اقوی آنست طفل که شش سالش تمام شده
باشد نماز واجبست و ظاهر بقصد قربت اکتفا توان کرد و کمتر از شش ساله
را اگر زنده متولد شود و بعضی سنت دانسته اند و بعضی بدعت و احوط نماز
نکردنست و جایز نیست نماز کردن بر کافر و خوارج و ناصبیان که عداوت
اهل بیت علیهم السلام داشته باشند و غالیان که ائمه علیهم السلام
را خدا میدانند یا گویند که خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرتدها
آنها که خدا را جسم میدانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست و
ظاهر آنست باشند که نکنند یا بکنند و چهار تکبیر بگویند و در تکبیر چهارم
نفرین و لعنت کنند بر او و در موضع تقیه ترک نباید کرد و سزاوار ترین

[illegible]

افاضل ثبتک الله تعالی واحسن توفیقک مع الفاسق ان ارواح الوارث

سوم در نماز بر میت وارث او در است بنابر مشهور و بعضی گفته اند که بعد از
حیثیت این نماز جماعت نمیتوان کرد یا نه ظاهرا میتوان کرد و احوط آنست
که تا توان از زنان رخصت گرفتن پر رخصت نکنند و شوهر از همه وارث
اولی است نسبت بزن و مردان اولی اند از زنان و وارث اگر خود قابلیت
پیش نمازی نداشته باشد کسی را که اعتقاد داشته باشد و بهتر داند
مقدم دارد و جایز است که زن پیش نمازی زنان بکند و با ماموم ان در یک صف
بایستد زنان اگرچه ماموم یک نفر باشد و اگر زنان با مردان جمع شوند زنان
در عقب مردان بایستند و اگر حایض باشد سنت است که در صفی جدا
بایستد و واجب است که نماز گزارنده رو بقبله بایستد و سر جنازه بجانب راست
او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست و احوط در منفرد آنست
که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجب است که میت را بر پشت خوابانند
و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست بلکه جنب و حایض و بی وضو
این نماز را می توانند کرد و احوط آنست که سایر شروط نماز یومیه را

رعایت

رعایت کند و نیت قربة [illegible] نماز بر این میت [illegible]
در هر یک [illegible] که از پوشیدن [illegible]
و [illegible] اگرچه [illegible] است [illegible]
کار [illegible] افعال نماز [illegible]
[illegible] برای مردان و جامه [illegible]
و اگر آب بهم نرسد [illegible] باشد [illegible]
[illegible] است که تیمم کند و ظاهر بعضی [illegible] آنست که [illegible]
[illegible] سنت است و [illegible] نماز [illegible] باشد مگر آنکه
در نماز [illegible] باشد و نماز بر میت نمیتوان کرد
[illegible] غسل و کفن بکنند اگر ممکن باشد و اگر [illegible] باشند [illegible]
[illegible] پوشانند و نماز کنند و سنت است که [illegible]
برابر میان مرد [illegible] بایستد و [illegible] زن بنابر مشهور و سنت است که
کفش را بکنند و اگر [illegible] داشته باشند [illegible]
[illegible] آن [illegible] هر [illegible] واجب است که نیت کند

[illegible]
دیگر آنست و چنین نیت کند که نماز میکنم بر این میت [illegible]
[illegible] واجب قربة الی الله [illegible] و سنت است که [illegible]
[illegible] و [illegible] و [illegible] اول آنست
[illegible] در وجوب دعا
در میان تکبیرات خلاف [illegible] و احوط [illegible] دعای [illegible]
[illegible] و مشهور آنست که بعد تکبیر اول بگوید اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا فردا
حیا قیوما دائما ابدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا و
اشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدی ودین
الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون پس بگوید الله
اکبر اللهم صل علی محمد وآل محمد وبارک علی محمد
وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد کافضل ما صلیت وبارکت
وترحمت وتحننت علی ابراهیم وآل ابراهیم انک

حمید

[illegible]

حمید مجید وصل علی جمیع الانبیاء والمرسلین پس بگوید
الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات والمسلمین و
المسلمات الاحیاء منهم والاموات تابع بیننا وبینهم
بالخیرات انک مجیب الدعوات یا قاضی الحاجات
انک علی کل شیء قدیر پس بگوید الله اکبر اللهم ان
هذا عبدک وابن عبدک وابن امتک نزل بک وانت
خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا وانت
اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان
مسیئا فتجاوز عنه واغفر له واحشره مع من کان یتولاه من
الائمة الطاهرین المعصومین اللهم اجعله عندک فی اعلی
علیین واخلف علی اهله فی الغابرین وارحمه برحمتک
یا ارحم الراحمین پس بگوید الله اکبر [illegible] و اگر میت زن باشد بگوید
اللهم ان هذه امتک وابنة عبدک وابنة امتک نز

ان اردت ان يعلمك بالعلو والعرش

قولت بك وانت ذنوبي متوسل بها اللهم انا لا نعلم
منها الا خيرا وانت اعلم بها منا اللهم ان كانت محسنا
فزد في احسانها وان كانت مسيئة فتجاوز عنها واغفر
لها اللهم اجعلها مع من كانت تتولاه من الائمة الطاهرين
المعصومين اللهم اجعلها عندك في اعلا عليين و
اخلف على اهلها في الغابرين وارحمها برحمتك
يا ارحم الراحمين و بعد از آن بگوید الله اكبر [illegible] ربنا
آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
و اگر میت سنی و مخالف مذهب باشد بعد از تکبیر چهارم بگوید اللهم
اخز عبدك في عبادك وبلادك اللهم اصله حر نارك
اللهم اذقه اشد عذابك فانه كان يوالي اعدائك
ويعادي اوليائك ويبغض اهل بيت نبيك صلى الله
عليه وآله و اگر میت طفل نابالغ باشد بگوید اللهم اجعله

لابويه

اگر اراده [illegible]
لابويه ولنا سلفا وفرطا واجرا و [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

ان قدرت [illegible] الامر الله لا تخف عنه

او را بقبر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بگوید اعوذ بالله
من الشيطان الرجيم پس بگوید [illegible] قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد و آية الكرسي [illegible]

اگر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي لا يبقى الا وجهه ولا يدوم الا ملكه كل شيء
هالك الا وجهه له الحكم واليه ترجعون
اسمع افهم اسمع افهم اسمع افهم يا عبد الله ابن
عبد الله هذا آخر يوم من ايام الدنيا واول يوم من
ايام العقبى فهل انت على العهد الذي فارقتنا عليه
من شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان
محمدا صلى الله عليه وآله عبده ورسوله وسيد
النبيين وخاتم المرسلين وان عليا امير المؤمنين و
سيد الوصيين وامام افترض الله طاعته على العالمين

حسبي الله ونعم الوكيل نعم المولى ونعم النصير

فلان الحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن
علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى
ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي
والقائم الحجة المهدي صلوات الله عليهم أئمة المؤمنين
وحجج الله على الخلق أجمعين وأئمتك أئمة هدى [illegible]
[illegible] يا فلان بن فلان إذا أتاك الملكان المقربان
رسولين من عند الله تبارك وتعالى وسألاك عن
ربك وعن نبيك وعن دينك وعن كتابك وعن قبلتك
وعن أئمتك فلا تخف ولا تحزن وقل في جوابهما الله
جل جلاله ربي ومحمد صلى الله عليه وآله نبيي والإسلام
ديني والقرآن كتابي والكعبة قبلتي وأمير المؤمنين علي
بن أبي طالب إمامي والحسن بن علي المجتبى إمامي والحسين
بن علي الشهيد بكربلاء إمامي وعلي زين العابدين إمامي

[illegible]

كاذو پسندا [illegible] امر [illegible] مکرر [illegible] گفته [illegible]

ومحمد باقر علم النبيين إمامي وجعفر الصادق إمامي
وموسى الكاظم إمامي وعلي الرضا إمامي ومحمد الجواد
إمامي وعلي الهادي إمامي والحسن العسكري إمامي و
الحجة المنتظر إمامي هؤلاء صلوات الله عليهم أجمعين
أئمتي وسادتي وقادتي وشفعائي بهم أتولى ومن
أعدائهم أتبرأ في الدنيا والآخرة ثم اعلم يا فلان بن فلان
أن الله تبارك وتعالى نعم الرب وأن محمدا صلى الله
عليه وآله نعم الرسول وأن أمير المؤمنين علي بن أبي
طالب وأولاده الأئمة الأحد عشر نعم الأئمة وأن
ما جاء به محمد صلى الله عليه وآله حق وأن الموت
حق وسؤال منكر ونكير في القبر حق والبعث حق
والنشور حق والصراط حق والميزان حق وتطاير الكتب
حق والجنة حق والنار حق وأن الساعة آتية

قل لي يا [illegible] كتب [illegible]

لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور پس بگوید أفهمت
يا فلان [illegible] پس بگوید ثبتك الله
بالقول الثابت هداك الله إلى صراط مستقيم عرّف
الله بينك وبين أوليائك في مستقر من رحمته پس بگوید
اللهم جاف الأرض عن جنبيه واصعد بروحه إليك
ولقه منك برهانا اللهم عفوك عفوك
پس [illegible] برابر [illegible] رو [illegible] کند [illegible] برفت [illegible]
[illegible] قبر [illegible] گوش [illegible]
[illegible] آب بر قبر [illegible] در
[illegible] آب [illegible]
[illegible] جانب [illegible]
[illegible] جانب دیگر [illegible]
[illegible] قطع کنند [illegible] تمام شود [illegible]

[illegible]

[illegible] عوض [illegible]

[illegible] دفن [illegible]
سورهٔ إنا أنزلناه [illegible]
[illegible]
[illegible] بلند [illegible]
[illegible]
[illegible] سؤال [illegible]
[illegible] قبر [illegible]
[illegible] صلوات الله عليهم [illegible] حکم
[illegible] قبر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بالله

ذا كان الفقير والتقي من الله كان متوكلا على الله

من [illegible] این توبه در حال [illegible]
[illegible] لازم [illegible]
واجب [illegible] از حال [illegible]
[illegible]
[illegible] أستغفر الله العظيم وأتوب إليه
أُشهد الله وملائكته وأنبياءه ورسله وحملة
عرشه وجميع خلقه بأني [illegible]
عني من الذنوب والمعاصي [illegible]
لا أعود إليها [illegible]
[illegible] إلى يوم القيامة أستغفر
الله من كل ذنب [illegible] عمداً أو خطأً سرّاً أو علانيةً
وأتوب إليه من الذنب الذي أعلم ومن الذنب الذي لا أعلم
إنك أنت علّام الغيوب ولا حول ولا قوة إلا

بالله

[illegible]

يا الله العلي العظيم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بسم الله الرحمن الرحيم أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا
شريك له وأشهد أن محمداً عبده ورسوله أرسله
بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره

إياك والريب في الأمور فإنه مذموم [illegible]

الكافرون وأشهد أن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب
عليه السلام إمام حق [illegible] من قبل الله تعالى
وقبل رسوله وبعده أن أولاده الحسن والحسين وعلي
ابن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى
بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن علي
وعلي بن محمد والحسن بن علي ومحمد بن
الحسن صاحب الزمان خليفة الرحمن صلوات
الله وسلامه عليه وعليهم أجمعين هم الأئمة
الحجة الهدى [illegible]
وأشهد أن الموت حق والقبر حق وسؤال منكر
ونكير في القبر حق والبعث حق والنشور حق و
الحساب حق والكتاب حق والميزان حق و
الصراط حق والجنة حق والنار حق وأن الساعة

[illegible]

[illegible]

آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور هذا ما
وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله وما زادهم
إلا إيماناً وتسليماً [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم شهد الله انه لا اله الا هو
والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم
ان الدين عند الله الاسلام وانا العبد الضعيف المذنب
العاصي المحتاج الحقير اشهد لمنعمي وخالقي و
رازقي ومكرمي كما شهد لذاته وشهدت له الملائكة واولوا
العلم قائما من عباده بانه لا اله الا هو ذو النعم والا
حسان والكرم والامتنان قادر ازلي عالم ابدي حي احدي
موجود سرمدي سميع بصير مريد كاره مدرك صمدي
يستحق هذه الصفات وهو على ما هو عليه في
عز صفاته كان قويا قبل وجود القدرة والقوة وكان
عليما

[illegible]

عليما قبل ايجاد العلم والعلة لم يزل سلطانا اذ لا مملكة
ولا مال ولم يزل سبحانا على جميع الاحوال
وجوده قبل القبل في ازل الآزال وبقاؤه بعد البعد
من غير انتقال ولا زوال غني في الاول والآخر مستغن
في الظاهر والباطن لا جور في قضيته ولا ميل في
مشيته ولا ظلم في تقديره ولا مهرب من حكومته
ولا ملجأ من سطواته ولا منجى من نقماته سبقت رحمته
غضبه ولا يفوته احد اذا طلبه ازاح العلل في
التكليف وسوى التوفيق بين الضعيف والشريف مكن
اداء المأمور وسهل سبيل اجتناب المحظور لم يكلف
الطاعة الا دون الوسع والطاقة سبحانه ما ابين كرمه
واعلى شانه سبحانه ما اجل نيله واعظم احسانه
سيد الانبياء وخير الاولياء وافضل الاصفياء واعلى الازكياء

[illegible]

محمد صلى الله عليه وآله وسلم آمنا به وبما دعانا
اليه وبالقرآن الذي انزله عليه وبوصيه الذي
نصبه يوم الغدير واشار بقوله هذا علي اليه
واشهد ان الائمة الابرار والخلفاء الاخيار بعد
الرسول المختار علي قامع الكفار ومن بعده سيد
اولاده الحسن بن علي ثم اخوه السبط التابع لمرضات
الله الحسين ثم العابد علي ثم الباقر محمد ثم
الصادق جعفر ثم الكاظم موسى ثم الرضا علي ثم
التقي محمد ثم النقي علي ثم الزكي العسكري الحسن ثم
الحجة الخلف القائم المنتظر المهدي المرجى الذي ببقائه
بقيت الدنيا وبيمنه رزق الورى وبوجوده ثبتت
الارض والسماء وبه يملأ الله الارض قسطا وعدلا
بعد ما ملئت ظلما وجورا واشهد ان اقوالهم

[illegible]

حجة وامتثالهم فريضة وطاعتهم مفروضة ومودتهم
لازمة مقضية والاقتداء بهم منجية ومخالفتهم
مردية وهم سادات اهل الجنة اجمعين وشفعاء يوم
الدين وائمة اهل الارض على اليقين وافضل الاوصياء
المرضيين واشهد ان الموت حق ومساءلة منكر ونكير
في القبر حق والبعث حق والنشور حق والصراط
حق والميزان حق والحساب حق والجنة حق
والنار حق والكتاب حق وان الساعة آتية لا
ريب فيها وان الله يبعث من في القبور اللهم فضلك
رجائي وكرمك ورحمتك املي لا عمل لي
استحق به الجنة ولا طاعة لي استوجب بها الرضوان
الا اني اعتقدت توحيدك وعدلك وارتجيت
احسانك وفضلك وتشفعت اليك بالنبي وآله

[illegible]

صلى الله عليه وآله ومن احببت وأنت أرحم الأكرمين
وأرحم الراحمين لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم و
صلى الله على نبينا محمد وآله أجمعين الطيبين الطاهرين
وسلم تسليما كثيرا كثيرا اللهم يا أرحم الراحمين
إني [illegible] بقيت [illegible] هذه [illegible] حرفي و
[illegible] ربنا [illegible] الوداع [illegible]
إلى [illegible] على [illegible] حضور [illegible] في القبر
[illegible] برحمتك يا أرحم الراحمين
وصلى الله على نبينا محمد وآله أجمعين

در علم قرائت [illegible] قرآن تعليم [illegible]
[illegible] اعوذ بالله [illegible]
[illegible]
باشد [illegible] اعوذ بالله من الشيطان الرجيم [illegible]

[illegible]

وقف [illegible] وصل [illegible] قرآن [illegible] بسمله
بالحمد [illegible] بسمله [illegible]
[illegible] بسم الله الرحمن الرحيم [illegible]
[illegible] سوره قرآن [illegible] سوره توبه [illegible] ابتدای آن
بسمله [illegible] قرآن
[illegible] سوره [illegible]
[illegible]
[illegible] وصل [illegible] بسمله [illegible]
[illegible] آخر [illegible] وصل [illegible]
[illegible] وصل کنند [illegible]
[illegible] بالله [illegible] بسمله [illegible]
[illegible] الادغام والاظهار والاقلاب والاخفاء [illegible]

[illegible]

والمذات [illegible] الأول في الادغام [illegible]
ادغام [illegible] تنوين ونون ساکن [illegible] ادغام [illegible]
باشد مثال [illegible]
[illegible] تنوين ونون ساکن [illegible]
[illegible]
[illegible] مثال تنوين [illegible]
[illegible]
[illegible] تنوين ونون ساکن [illegible]
[illegible] حرف [illegible] مثال تنوين
[illegible]
[illegible] عليم [illegible] نون ساکن [illegible]
[illegible] مثال تنوين [illegible] عليم [illegible] مثال نون ساکن
[illegible] مثال تنوين [illegible] مثال نون [illegible]

[illegible]

[illegible] عليم
[illegible] مثال تنوين [illegible]
تنوين ونون ساکن [illegible] حروف [illegible]
[illegible] اخفا میکنند مثال نون ساکن [illegible]
[illegible] مثال تنوين [illegible]
مثال نون ساکن [illegible] مثال تنوين [illegible]
[illegible] نون ساکن [illegible] تنوين [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] تنوين ونون ساکن [illegible]
[illegible] تنوين [illegible]
[illegible]
[illegible] تنوين ونون ساکن [illegible]

[illegible]

[illegible] هیچ مانع نبود [illegible] صاحب [illegible] ادغام
[illegible] متقارب [illegible] مخرج [illegible]
[illegible] اظهار بلا خلاف مثال جیم ساکن [illegible] فیها
[illegible] میم ساکنه [illegible] اظهار [illegible]
[illegible] اخفا [illegible] اگر اخفا [illegible]
[illegible] اظهار [illegible] مطلوب [illegible]
[illegible] دو حرف مثال [illegible] اول ساکن و ثانی متحرک
باشد ادغام مثلین گویند مثل [illegible] وقالا [illegible]
لهم ما یشاء [illegible] اگر دو حرف متفق در مخرج و مختلف در
صفت ادغام متجانس خوانند مثل قالت طائفة [illegible]
[illegible] وقد [illegible] اگر دو حرف قریب [illegible]
مختلف در صفت ادغام متقارب خوانند مثل قل رب
قل [illegible] ادغام بلاغنه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ادغام [illegible] تشدید [illegible] تعریف [illegible]
[illegible] صوت خفی [illegible] الخیشوم [illegible]
[illegible] از صوت خفی [illegible]
ادغام [illegible] در لغت [illegible]
[illegible] الثیاب [illegible]
اصطلاح الادغام ان [illegible] الاول [illegible] فی الثانی
[illegible] کی حرف [illegible]
[illegible] وکذلک الاظهار [illegible] در لغت [illegible]
[illegible] اصطلاح الاظهار [illegible]
[illegible] اظهار [illegible]
[illegible] وکذلک اخفا [illegible]
[illegible] اصطلاح الاخفاء حالة [illegible]
[illegible] الاظهار [illegible] التشدید [illegible] اخفا

[illegible]

حالتی [illegible] ادغام و اظهار [illegible] تشدید [illegible]
[illegible] تشدید وکذلک [illegible] در لغت
[illegible] اصطلاح القلب جعل حرف مکان
[illegible] حرف [illegible] حرف [illegible]
[illegible] در لغت [illegible] اصطلاح [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] حروف [illegible]
[illegible] حروف [illegible]
[illegible] الف ساکن
[illegible] مفتوح مثل [illegible] ساکن [illegible] مفتوح
[illegible] سکون [illegible]
سکون [illegible] سکون لازم [illegible] مثل [illegible] سکون

[illegible]

[illegible]

لازم [illegible] سکون لازم [illegible] مثل [illegible] سکون لازم
[illegible] مثل [illegible] ساکنه و او و یا [illegible]
یک کلمه [illegible] باید مثل [illegible]
[illegible] تفخیم [illegible]
[illegible] مفتوح [illegible] تفخیم باید [illegible] ترقیق [illegible]
[illegible] حکایت
[illegible]
[illegible] الله تعالی [illegible] نماز [illegible] فراموش کند
[illegible] حرام [illegible] نماز میکند
[illegible] بلفظ [illegible]
[illegible]
[illegible] فراموش [illegible]
[illegible]

[illegible]

چنین اگر [illegible] بگوید نمازش باطل است [illegible] مشهور [illegible]
[illegible] نماز [illegible] رکوع
[illegible] بعضی [illegible]
سجود [illegible] مشهور [illegible]
و اگر [illegible]
[illegible] نمازش [illegible]
نماز [illegible] است [illegible] نماز
[illegible] مشهور [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
و [illegible] سجده [illegible]
[illegible]
[illegible] نماز [illegible] سهو [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible]

[illegible] رکعت [illegible]

[illegible] نماز [illegible] صحیح است و اگر بعد [illegible] نماز است
[illegible] نمازش باطل است [illegible]
[illegible] باطل [illegible] مشهور است [illegible]
[illegible] نماز [illegible] است اگر شک [illegible]
[illegible] نماز [illegible] است که نماز [illegible]
باطل است [illegible] اگر شک [illegible] رکعت
[illegible] رکعت [illegible] نمازش
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] رکعت [illegible] شک
[illegible] شک [illegible] سجده
[illegible] نماز [illegible] باطل است [illegible] سجده [illegible]
[illegible] رکعت [illegible] سلام [illegible]
رکعت نماز [illegible] رکعت [illegible]

[illegible]

[illegible] رکعت [illegible] است [illegible]
[illegible] شک [illegible] سجود [illegible]
[illegible] است [illegible] تمام [illegible]
[illegible] شک [illegible]
[illegible] رکوع [illegible] سجده [illegible]
نماز [illegible] رکعت [illegible]
[illegible] شک [illegible]
[illegible] نمازش [illegible]
[illegible] سجده [illegible] نماز [illegible]
[illegible] سجده [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible] نماز [illegible] سجده [illegible]
[illegible] سجده [illegible]
[illegible]

[illegible] رکعت [illegible]
[illegible] رکعت نماز [illegible] سلام
[illegible] رکعت نماز [illegible] رکعت
[illegible] شک [illegible] رکعت [illegible]
[illegible] رکعت [illegible] سلام [illegible] رکعت
[illegible] رکعت [illegible] سجده [illegible] سهو [illegible]
[illegible] سجده [illegible]
[illegible] سجده سهو [illegible] شک
[illegible] الحمد [illegible]
[illegible] شک [illegible]
[illegible] رکعت [illegible]
[illegible] رکعت نماز [illegible]
[illegible] سجده [illegible] سهو [illegible] الحمد [illegible]
شک [illegible] رکعت [illegible] تمام [illegible] نمازش

فقد يجزيه [illegible] الحاجة

برای [illegible] ظهور [illegible] برای آنکه [illegible] جهت [illegible] تکبیر
احرام بگوید و [illegible] تسبیح [illegible]
[illegible] و سجده [illegible] آن [illegible]
[illegible] است و نماز [illegible]
[illegible] بطلان نماز [illegible]
[illegible] سجده [illegible] است [illegible]
[illegible] نماز [illegible]
[illegible]
[illegible] آن [illegible] باشد
[illegible] رکعت اول باشد [illegible]
[illegible] رکعت [illegible]
[illegible] رکعت اول [illegible]
[illegible]

[illegible]

فقد جبره بگوید و سکوت تعقیبل در جز بست در میانه
دو رکعت دیگر میکند و اگر برنه باشد و ظن غالب باشد بگر رکعت
دیگر بکند و نماز را احتیاطاً تمام کند و اعاده کند و اگر در بین صورت
سجده سهو بکند احتیاطاً موافق مذهب ابن بابویه علیه الرحمه و بنیت
در بیان کیفیت سجده سهو است علما گفته اند و در سجده سهو واجبست
نیت کردن و بر جبهت عفو مقرر سجده کردن و طمانینه و قرار گرفتن در هر
یک و در سر بر داشتن از سجده و بعضی گفته اند که آنچه در سجده نماز واجبست
در سجده سهو نیز ست شستن بعد از سجود و پوشانیدن عورت ها و با وضو
بودن و رو بقبله کردن احوط آنست که همه را رعایت کند و اکثر علما
تشهد و سلام و ذکر سجده سهو را واجب میدانند و بعضی ذکر را مستحب میدانند و در
تشهد خلاف است بعضی تشهد صغیر میخوانند با تشهد کبیر و در نماز ها
بو میه میخوانند نیز واجب و احوط آنست که اکتفا نماید به تشهد صغیر یا آنکه بگوید
أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ اللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ و بعد از آن سلام بگوید و احوط آنست

[illegible]

کیفیت الخسوف و نصفه فی الدین والدنیا

و ذکر سجده بگوید بسم الله وبالله السلام علیک ایها
النبی ورحمة الله وبرکاته و اگر بگوید بسم الله وبالله و
صلی الله علی محمد و آل محمد نیز جایز است و ظاهر آنست
ذکر کافی باشد [illegible] بدانکه این نماز واجبست بر کسوف
آفتاب و خسوف ماه خواه کل بگیرد و خواه بعضی و در زلزله که زمین بلرزد و
مشهور آنست که هر آیتی که از جانب آسمان حادث شود و موجب
خوف غالب خلق گردد این نماز واجب میشود مانند بادهای بسیار
شدید که بر خلاف عادت باشد خواه رنگین باشد و خواه نباشد و ظلمتهای
عظیم و رعدهای بسیار شدید و تاریک شدن هوا و امثال اینها و این قول
قوی است و کیفیت این نماز آنست که قصد کند که نماز آفتاب گرفتن یا زلزله
یا آیت میکنم او از جهت آنکه واجبست برای رضای خدا قربة الی الله پس تکبیرة
احرام بگوید و حمد و یک سوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد و ... ست
حمد و سر بر داشتن الله اکبر بگوید پس حمد و سوره بخواند پس رکوع کند

تا آنکه

[illegible]

بسیاری سنتها بی در و ضیا حیث هم در وین [illegible] تمام شد در یوم یکشنبه [illegible]
تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و از رکوع پنجم که سر بردارد سمع الله لمن حمده
بگوید بعد از آن بسجود رود و دو سجده بجا آورد پس برخیزد و یک رکعت دیگر
بجا آورد بدستور رکعت اول و در سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سمع
الله لمن حمده بگوید و اگر در رکوع اول بعد از حمد بعضی از سوره را بخواند و رکوع
رود و بعد از سر برداشتن باقی سوره را بخواند اعاده حمد نمیکند و اگر سوره را
پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بیک حمد را در رکعت اول خواند اکتفا
میکند و همچنین در رکعت دوم بیک حمد و سوره را چنین تفریق کند
اکتفا میتوان کرد و بهتر آنست که بطریق اول بکند و بده حمد و ده سوره
بجا آورد و اگر وقت تنگ نباشد و اول وقت نماز کسوف و خسوف ابتدای
گرفتن است و آخر وقت بقول مشهور ابتدای منجلی شدن است و اظهر نزد
فقیر بعین موجب و غفران پناه رضوان جایگاه مولانا آخوند ملا محمد باقر
مجلسی اعلی الله مقامه آنست که تمام منجلی شود وقتش باقیست
و نماز زلزله و آیات در وقتش و خاتمه نکند موافق مشهور در تمام عمر اداست

واگر کسی ترک کند نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره
مشهور میان علما آنست که فرق میکنند آن نماز را مطلق و جمعی گفته اند
که هر کسی که فراموش کرده باشد قضا نیست ما دامی که تمام قرص گرفته باشد
و عمل بمشهور میان اوطاست و اگر مطلع نشده تا وقت بدر رود مشهور
میان اصحاب آنست که قضای کسوفین واجب نیست مگر آنکه تمام قرص
گرفته باشد و جمعی گفته اند واجبست قضا مطلقا و قول اول اقوی و ثانی
اوطاست و مستحب است که این نماز را بجماعت بجا آورند و طول بدهند
بقدر زمان کسوف و خسوف و هرگاه از نماز فارغ شده و انجلا نشده باشد
اظهر و اقوی آنست که اعاده نماز مستحب است ~~خواندن سورهای طولانی~~
و بعضی واجب دانسته اند مستحب است خواندن سورهای طولانی
با وسعت وقت و برابر ساختن رکوع و سجود با قرائت و مستحب است
قنوت خواندن پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم
و دهم و اگر در ایام زلزله مکرر این آیه را بخواند مناسب است إِنَّ
اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا
إِنْ

إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا از حضرت
امام رضا منقولست که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر
سرش خراب نشود و بهمین قدر اکتفا نموده بزوائد اطناب نخوده بمراتب
دیگر حمل دارد امیدوار فقیر را از دعای خیر یاد آوری نمایند که در حرکت از مطا
لب و مسایل را در کتب فقها مستخرج و التکتاب نمود تمت الکتاب
بعون الملک الوهاب تمام شد این کتاب **منتخب المطالب**
در یوم یکشنبه ۲۷ شهر محرم الحرام کاتب الحروف اسمعیل ابن
حبیب تولیمی ساکن بجاده بیشه رشت هزاران درود و هزاران هزاران
زما بر محمد علیه السلام
هر که خواند دعا طمع دارم زانکه من بنده گنه کارم
۱۲۳۳

۱
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بعد عرض عالی میرساند که هرگاه از الطاف گوناگون و تفقدات
از حد افزون جویای حال و مستفسر احوال سراپا اختلال کمترین
بندگان بوده باشند بحمد الله تعالی بتاریخ ۲۰ شهر رجب المرجب بعد از
فضل و مرحمت حضرت باری توجه و شفقت بندگان صاحب
حیات مستعار در صفحه روزگار غدار با فراغت بجز از محرومی
از فیض حضور ساطع النور صورت وقوع ندارد و امید
وار بدرگاه جناب واهب العطایا آنکه شرف دریافت
خدمت سراسر منفعت که اهم مطالب و مقاصد است
عنقریب میسر و مرزوق گردد یا رب این آرزوی مرا چه خوش است
تو بدین آرزو مرا برسان یقین حاصل است که پیوسته از راه ذره
پروری و کوچک نوازی کمترین را یاد آوری فرموده نظر تفقد را
دارند

دریغ نفرمایند که بجلال قدر آنکه شوق و حضور دریافت خدمت
کثیر السعادت زیاده از آنست که بقلم و زبان شرح شمه از آن
توان نمود چون مدعا اظهار حیات بود بزواید اطناب ننمود
[illegible]
بعد عرض مقدس میرساند که بزیارت رقیمه کریمه ملاطفت
صاحب الرام مشرف و سرافراز گردید چون مبنی بر صحت ذات کامل الصفات
بنده نصاحبی و مشعر انواع تلطفات نسبت باین اداری بیابانی کمینا
بنده بعد حمد خرم و انبساط خاطر حاصل نموده امید که پیوسته کمترین را
بارسال رقیمجات سرافراز و دلشاد فرموده از خاطر دریا مقاطر محو و
منسی نفرمایند که منتهی از کوچک نوازی نخواهد بود چون مدعا منحصر بود
بزواید اطناب ننمود باقی ظل کم ظلیل برب الجلیل
[illegible]
فرزند نور چشم محمد نصیر آنکه از جمیع آلام و اسقام در حفظ
و حمایت ملک علام بوده محروس و در جهان جسنی بعید منزوی مسند الد

کوهدست پنج شش سال میشود که از ولایت بیرون رفته
در غربت از قرار یکه مسموع میشود بکمال صعوبت بسر میبرد
نمیداند تو را چه پیش آمد و باعث شده که دست از وطن و
پدر و مادر و برادر و خواهر و اقربا برداشته یکبارگی قطع نظر کرده
بغیر از عدم فهم و جهالت چه خیال توان کرد ای پسر جاهل خوب
فکر و ملاحظه بکن نتیجه این کار و رفتار تو که خلاف امر جناب
پروردگار و سیره ابرار و ائمه اطهار است نفع بجز از خواری
و مرارت دارین چیز دیگر حاصل نخواهد بود بهر صورت هرگاه
رضای آنجانب منظور دارید بلافاصله مراجعت والد خود
مید انید باقی عمرت باد برب العباد
اخوی نور چشمی جانی کامکاری الله وردی حفظه الله تعالی امید که از
مکاره زمان در حمایت حضرت سبحان بوده کامروای مطالب
دارین باشد بعد منهی میدارد که مکتوبه که بصحابت عالیحضرت
شاهجه ارسال نموده بود رسید مضمون آن مفهوم گردیده بجهت
هر شهر رسن آن جانی بوده کمال خرمی رو داده بایدهر روز نامجوی
احوال خود را مرقوم ساخته ارسال داشته کوتاهی ننماید که حیث
اطلاع بر احوال او داشته باشد باید بجهت منفعت امور و کار
و بار ضایع نموده بوده تکاهل و مسامحه در انجام آن و تلبار و گشت
کار نموده بهر یک مصارف کاران و بزرگان نکرده پیش اینش حرف
اهتمام نماید باید کارکنی که ان شاء الله وقتی که بجانه آمد از تو رضایت
رضامندی داشته باشد زیاده چه نویسد بنده عمرت باد برب العباد
محب صمیمی و مخلص
تحقیق بر سطح صحیفه درس و ذریعه محبت میشود که از
عالی مکان از فیض صحبت ملازمان ذیشان الی الآن محجور
الاوی بر احوال سعادت حاصل الشد و درین اوان بجهت
چنان که حاصل مراسله المودة عازم آنولا بعد حرکت سلسله
و در گردید بجزیکه ذریعه الشوق مشتمع گردید امر قسمت
که تا آن اوان ملاقات بجهت علامات حقایق حالات خیریت
وخادم سپاه نمده اراده و رسم سخن قرار یوشش بنا برده علم و ادو
در کانون شریف اخلاص از یف مشغول و مشغول گردید از عنصر آن اعتبار
آن در حقوق اندراج نوالد بابت نهایت از آنجا بنگ بر جاگیر
از جانب خاکی حقیقی ملاحظه ظهور رسید بجز از سر رشته نوحه نجیب
از حد جناب در علیا ثبت بیا بر علی در جمه جناب علی از خلق و
اصطرار کرده خلاف مضی آنجناب نموده که بنگر رسانیده ثابو
تو القادرون امر بعد جناب عنف لکن سخن طه باشند
داز جمله زیان کاران محسوب گشته اند هر چند نظر با وقت ایلیا ...
لازم بود که شرف منامت مشرف شود و نهایت ترا نیک ...
این شاد خبر شده در عقده کار این ترقی ... آن ...
نعالی ... جمیل و ابر ... الرحیم رانده ... حق ...
و این بیت ... ان الحسنات ... النوری ...
هر اسم تعریض شاد و بر ... تصدیع داده ... سیم ... حسن ...
باقی ایام بکام باد برب العباد
که در بعضی اوان سعادت توامان که مژده ورود مسعود بندگان دین
نمود القدر و المکان کعبه امید بمشام جان مشتاقان رسیده حق بدست
که درین خبر بهجت اثر که مایه تمنا و آرزومندی مخلصان صمیم دل در کلام تحسین
آورده واز تهنیت حمد آلهی و سجدات شکر ربانی بجا آورده چشم خلوص و
سایر جهال حضور الوالمان روشن و خاطر شریف شان خورسند باد برب
العزة و الجبار عالیحضرت نورچشمی میرزا محمد نصیر ادیب ابو غفل جمیع این
روشن باد عرض داشت
کمترین بندگان بموقف عرض پایه سریر خلافت مصیر اشرف
اقدس همیون اعلی میرساند که کمترین بندگان الا عنقریب از جمله طلبه
علوم اشرف اقدس واز جمیع تکالیف دیوانی معاف و مسلم
بوده در هیچ محلی از محال بلوکات طبقه رشته سلسله کمترین بندگان دیناری
ابواب جمعی ... داخل طوار و سر رشته احدی از ریاب آن ... عمل سلف
نبوده و نمیباشیم در موقف لا محض جاجی ... از دولت استدعای

در الات را با نقیام مهمات و به مقام اعلام در آورد و [illegible]
الجمله [illegible] دراز انجام [illegible] بلوازم [illegible]
بعمل آورد تا ایام [illegible] بکام [illegible] رب العباد
اعلام حقیقت [illegible] و بکامکی [illegible]
[illegible] احوال [illegible]
[illegible] عزیز [illegible]
[illegible] سرور [illegible]
[illegible] امید [illegible]
[illegible]
[illegible] احوال [illegible]
[illegible] والمنه [illegible]
[illegible] وقوع [illegible]
[illegible]
[illegible]

سعادت فرجام [illegible]
[illegible] باشد [illegible]
[illegible]
[illegible] ملک [illegible]
[illegible]
[illegible] هیچ [illegible]
[illegible]
[illegible] شریف [illegible] محمد [illegible]
[illegible] حالات [illegible]
[illegible] باشد ایام سعادت فرجام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

و وجب اندازه براه باطل افتاده [illegible] بندگان مطالبه عوارض
دیوانی دارد از انجاکه بندگان اقدس والا روحی فداه معدلت [illegible]
و [illegible] و معدلت میباشند لهذا لازم و واجب دید که مراتب
مزبور را بخاکپای [illegible] اساس بندگان اقدس همایون اعلی عرض نماید
که مجددا رقم قضا شیم از مصدر جاه و جلال عز اصدار یابد که
لا محاله [illegible] و غیره مباشرین [illegible] در خصوص تکالیف
دیوانی بهیچوجه رجوع بکمترین بندگان نداشته کمترین را نیز که خاطر
جمع و فارغ البال بتحصیل علم و جناب باری تعالی و دعاگوی دوام
دولت ابد مدت اعلی اشتغال نماید که هر آینه عند الله و عند الرسول
ضایع نخواهد شد [illegible] عرضه داشت کمترین بندگان
بدروه عرض بندگان سپهر مکان [illegible]
[illegible] قزوین [illegible] میباشد
هرچند مطالبه مینماید در ادای آن تمرد دارد [illegible]
[illegible]

[illegible] بعهده ادای امر و مقرر گردد که وجه طلب کمترین را از [illegible]
گرفته عاید سازد که صرف معیشت خود نموده بدعاگوئی دوام دولت
ابد مدت بندگان عالی [illegible] اشتغال نماید باقی امره العالی [illegible]
[illegible] حکم عالی است آنکه زبدة الاشباه کریم بیگ
[illegible] روانه و وجه طلب عارض را بر وفق قانون شرع مطاع و
[illegible] و واصل [illegible] طرفین [illegible] بحضور آورده که غور رسی گردد
مقرر آنکه مبلغ یکتومان صد دینار بازیافت نماید در عهده دانند [illegible]
شهر صفر المظفر ۱۲۳۳ [illegible] حاضر شد محمد کریم [illegible]
[illegible] اقرار شرعی [illegible] که مبلغ [illegible] تومان [illegible]
[illegible] اسمعیل [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] المبارک ۱۲۳۳ [illegible] حاضر شد احمد [illegible]
اقرار شرعی [illegible] مبلغ [illegible]

ابریشم ... بیع ... از ... حواله ... ارجمند
در قصبه دار و دان رشت ... بعد از فراغ نوغان ... سنه بارس ئیل که عبارت
در بیت و پنجم سرطان است ... الاسعد ... ربیع ... سنه ۱۲۰۱
بیع ... حاضر شده ... مفصله ... قریه ... و ... به
اقرار و اعتراف شرعی نمود ... مقدار ... ابریشم ... بوزن
قپان رشت ... خود ... را در عوض احمد ... رشیه
نصف ... مبلغ ده تومان ... عالی القدر و المکان میر محمد
باقر ... قبول ... صیغه گردید و قرار داده اند
که ابریشم مزبور ... بعد از فراغ نوغان ... سنه ... ئیل ۱۲۰۲
سرطان ... الاسعد رجب ۱۲۰۱ ...

الحمد لله الذی احل البیع و الشری و حرم الغصب و الربوی و
الصلوة و السلم علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین لا تبعه
غرض از تحریر این کلام خجسته فرجام آنست که ... عالی
النجیب عالی القدر ... محمد ... رحمت ... غفران ...

... لا یجاب و القبول ... بدون اکراه و الاجبار بالطوع و الرغبة
و تمامی املاک ... و ... مثمره و غیر مثمره و کل
ما یتعلق بها ... که واقع و کائن است در ... که
لا یحتاج ... صادق لا ینجی بثمن المتحقق ...
مبلغ ... تومان ... الاصل ... مبلغ ده تومان
... صحیح شرعی ... مبایعه مزبور را ... الذی
... تومان ... و ... مشار الیه کل منافع مبیع مزبور
... سابق الذکر ... مبلغ ... تومان ... عقود ... مبیع ...
... در مجلس مبیع ... و اصل و عاید بایع گردید و صیغه
مبایعه ... مصالحه ... گردید ... در ... بایع مزبور
... المبیع مستحق الغیر ظاهر گردد از عهده ... بیعت متصرف
مالکانه مشتری داده که ... تصرف ... املاک ...
و ذوی الایدی ... مزبور را از ابتدای حمل ...
... مشار الیه ... سنه ۱۲۳۳

... هو المؤلف ... القلوب
بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله الذی احل النکاح و بین الکید و حرم الزنا و السفاح کما
وعد علیه و الصلوة علی نبینا محمد اشرف الانبیاء و علی خیر الاوصیاء و آله
و الیهما علیهم السلم و بعد ...
... فی ۲۱ ... صفر المظفر ۱۲۳۳
... حاضر شده ... عبد الغفار ... مرحوم ...
باجاره ... صحیحه ... مساحت ... و اقع
و کائن است در قریه ... که محدود ... بحدود
متصل ... کریم
متصل ... متصل ... متصل ...
... مزارع ... ده ... کامل ...

و التالیه مبلغ ده تومان ... که از قرار ... بعد ... مقرر ...
... و اصل ...
دیوان ... در عهده ... صفر المظفر سنه ۱۲۳۳
... حاضر شد ... خلعت
... قبول ... و تمامی
مساحت ... زمین ... که واقع است در قریه ...
من محال رشت که محدود است بحدود اربع ذیل
متصل ... فلان
متصل ... فلان ... متصل ...
... عبد الغفار مرحوم ... ده ...
الاجاره مبلغ ده تومان ... که از قرار ... مقرر ...
... مبلغ ...
... دیوان ... عهده ...
... صفر سنه ۱۲۰ ...
از ... ماه ... کریم نام ... الطوار

میرزا محمد تجارباشی مبلغ ... تومان و چهار هزار دینار ... قرار ... کرده ...

الواقع ... گشت و کار ... از ... و صلاح ... او تجاوز ... بعد ...

... مواجب ... دریافت نماید ... در ...

... و دستخط مواجب ... شهر رجب ۱۲۳۲

... کریم نام مازندرانی ... اقرار

... مبلغ ... تومان ... بابت مواجب ...

بارسی ... تمام ... میرزا محمد تجارباشی واصل ... گردید ... الاول

الواقع

ازبابت ... تجارباشی ... مظفر

... [illegible]

مبلغ ... تومان ...

... [illegible]

... [illegible]

... مبلغ ... تومان ... از بابت ... عالیه ...

بارسی ... واصل ... گردید ... محرم ...

تسلیم

... صلاحیت ... کریم ...

موازی ... تومان ...

... سنه ۱۲۹ ... محرم الحرام ۱۲۹۹

رقوم

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

... از این نیز ... است

جنس از قرار خروار

۱ — ۲ — ۳ — ۴ — ۵ — ۶ — ۷

۸ — ۹ — ۱۰ — ۱۱ — ۱۲ — ۱۳ — ۱۴

۱۵ — ۱۶ — ۱۷ — ۱۸ — ۱۹ — ۲۰ — ۲۱

۲۲ — ۲۳ — ۲۴ — ۲۵ — ۲۶ — ۲۷

۲۸ — ۲۹ — ۳۰ — ۳۱ — ۳۲ — ۳۳ — ۳۴

۳۵ — ۳۶ — ۳۷ — ۳۸ — ۳۹ ...

[illegible]

[illegible]

عـا . دعـا . عـعـا . سعـا . لعـا

[illegible]

عـا . دعـا . عـعـا . سعـا

لعـا . صعـا . عـا . دعـا

[illegible]

[illegible]

۲ ۱ ۳ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹

۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵

[illegible]

ماب بقدر الف حم شش لحظه یک ده صد هزار

عالیجاه برادرا جبلت نیک فطرت گرامی منزلت اخوی مقام ام لاآ محمد زمان سلمه الله تعالی بوسته قرین صحت بوده بسعادت و عافیت باشند بعد از شرح مراتب اشتیاق آرزو مندی ... مشهود ... منظور ... اسلامی احوال آن اخوی القلم حاصل نشد و کلمه احوال سلامتی خود را اعلام نکرده اند یکبار ترکیب و ... آشنا ... همیشه از خبر ... تا ... ان چشم یاری داشتیم خفی

خفی غلط بود آنچه ما هیدانستیم بهر صورت تشریف ملازمان مخدومی عموی لاآ محمد صادق عازم بود لازم شد بمقام التفات را احوال آن اخوی بر آمده باشد البته هرکس عازم اینولا شود احوالات سلامتی خود را قلمی نمایند و شفقت مآب همشیره مکان زاده ... بسیار از زبان همشیره اور سانید که مبادا ما را فراموش کرده اید ما نیز ... را خداوند هست که بسیار مشتاق بعضی میباشیم تا ایام بکام باد برب العباد ... صلاحیت ... شفیع ... افراز ... نقد برانکه ... مرحوم ... بیات ... وصلی ... مرحوم ... بموقعیت توفیق ... اسد ... مذکور ... صفر المظفر ۱۲۳۳ سنه

حضرت علی جناب

نورچشمی ... همشیره مشفقه ... امید که از جمیع بلیات ... در حفظ و حمایت ... باشند بعد از شرح اشتیاق ... الله ... قس

و خفی نماند که از حقیقت حالات خیر است آن نور چشم اعلام فرمایند درینولا ... عازم ... الشوق عازم ... خیر ... چند کلمه در مقام التفات را احوال خیر ... در آمده هر که عازم اینولا گردد و کلمه کیفیت حالات سلامتی وارسال دارند که ... انقلاب حاصل گردد تا ایام بکام باد برب العباد ... بعضی ... تمامی حواس ظاهری و باطنی ... احوال شریف آن همشیره مهربان بوده سرافراز نمایند ... شرف ورود ... فرموده ... استقامه مزاج کثیر الابتهاج بوده ... شفقت ... و ... امید که ... احوال سراسر اختلال ... الحمد لله و المنه تاریخ ... شعبان ... عازم ... امید ... روز ... بکام باد برب ...

الی

الحمد

... سنه ۱۲۲۱

عبد ... ملا رضا ...

[illegible]

ابجد هوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ

حساب ابجد [illegible]

[illegible]

[illegible] عالم خواب [illegible] باب

[illegible]

و به نستعین

بسم الله الرحمن الرحیم

ابتدا میکنم بنام خدا — صانع [illegible]

داور کردگار بی همتا — کو بود فارغ [illegible]

بعد از آن مدح احمد مرسل — باز گویم مفصل و مجمل

بعد از آن مدح حیدر صفدر — گویم از روی صدق و شام و سحر

سرور مؤمنان علی ولی — شیر حق [illegible]

بعد اوصاف حیدر و اولاد — یاد آرم [illegible]

که ز یوسف بود علیه السلام — علم تعبیر خواب [illegible]

گفت آن برگزیده [illegible] — [illegible]

که در صبح است خواب اول شب — [illegible] ظهور [illegible] عجب

نصف شب هر کسی که بیند خواب — [illegible] ظهور [illegible]

خواب هنگام صبح معتبر است — در جهان [illegible] اثر است

گفت یوسف که بود پیغمبر — از عبادت جمیع اهل بشر

خواب با چار کس نباید گفت — ابله و کودک و منافق و جفت

خواب با اهل علم اول بار — گر بگویی [illegible]

با ابله و مجنون که هست لا یعقل — خواب گفتن [illegible] عاقل

خواب در روز معتبر نبود — [illegible] باشد ولی ضرر نبود

خواب [illegible] معتبر است — اگر [illegible] ظهور [illegible]

شب [illegible] اگر ببینی خواب — [illegible] ظهور [illegible]

شب [illegible] اگر ببینی خواب — زود باید ظهور [illegible]

[illegible] کسی که خواب بیند — زود باید ظهور [illegible]

[illegible] چو خواب بیند کسی — زود باید [illegible]

[illegible] ظهور [illegible] — [illegible]

شب پنجشنبه اگر بود خواب — زود گردد ز رو اسباب

[illegible]

اثر خواب سحر بود نیک — خوب بیند ز جمله اهل بشر

گر ببیند چنین که چشم اوج سما — باید از لطف دوست هر که دوا

گر ز حال یا که خوب چشم کسب — باید از اهل هند عزت بس

مشتری گر بخواب کس آید — ملک اش تمام یک ساله

هر که آید بخواب او بهرام — باید آزار از خواص و عوام

هر که آید بخواب او خورشید — منصب پادشاه چون جمشید

زهره عیش بیند و عز و اقبال — دولت و عز و تمکین شود همه باب

گر عطارد بخواب کس آید — علم و جاه و عالمش افزاید

هر که بیند بخواب قرص قمر — بیند اسباب فضل و نعمت و جود

هر که بیند ستارگان فلک — اثر خواب او بدو رسد شتاب

ماه و شب فر اید شد بسیار — کمتر است با به ز سنا و کبار

سبزه و مرغزار را در خواب — گر ببینی شرف و شباب

آب صاف ار به بینی اندر خواب — علم افزاید و فضائل بسیار

آب اگر تیره و گل باشد — فرض از [illegible] و عاقلی باشد

که الم از کلاب آید [illegible] — عالم و علم و کمالات [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

فرخ و بادام و گوگان و مویز — رزق روزی است [illegible]

هر که بیند او بخورد [illegible] — [illegible] خواب [illegible]

گر بود [illegible] با ملیح — [illegible] رنج

آلو و سنجد و عناب — [illegible] خوب

[illegible] و زیتون — [illegible]

گر ببیند کسی عسل می خورد — [illegible]

[illegible] رزق حلال — [illegible]

حلوا و زردک و چغندر [illegible] — [illegible] در خواب [illegible]

کاه و اسفناج و شربت [illegible] — [illegible]

[illegible] — [illegible]

جو و گندم چه باشد در خواب — [illegible]

گندم آلوده [illegible] — [illegible]

از [illegible] اندر خواب — هر چه [illegible] و خوف [illegible]

عدس [illegible] کثرت مال — [illegible] فزاید [illegible] اختلاف

خار از آید بخواب اگر — [illegible]

جوز بادام [illegible] و فضل [illegible] — [illegible]

[illegible] — دانه انگور [illegible]

[illegible] — [illegible]

[illegible] در خواب [illegible] — باعث خوف و [illegible] آزار

[illegible] از سفید بخواب — [illegible] خطاب و عتاب

[illegible] محنت [illegible] — سیب و آلو بخواب غم باشد

[illegible] — نقرهٔ خالص و طلا زان [illegible]

هست [illegible] — زیبق ار آید بخواب [illegible]

[illegible] در خواب حاصل [illegible]

هر که بخواب سنگ ستانی — با بیابان کرخطر و یکتن روان
الله در حیبت و مخفی [illegible] — نوعی از جنگ اندرین نعمت
لعل در خواب قربت باشد [illegible] — وانه آن ماه بحران و مرد و وصیت
کر ببیند بخواب فیروزه — رسیده باشد چاه [illegible]
[illegible] سعادت [illegible] — هست عمر دراز و کار صواب
[illegible] هر که در خواب [illegible] شود — [illegible] در مضاف شود
هر که او داشت تاج زرین بسر — روزی بخشد [illegible] دیگر
هر که مصحف بخواب دید بکف — یابد از الطاف ایزد عز و شرف
[illegible] در خواب [illegible] — که زیرا کرب منفعت زان است
[illegible] بجوال کرده — صاحب خواب [illegible] آید [illegible]
کرد بر کرد شهر از آتش — [illegible] عدو [illegible] کس
لشکر خصم کار و زار کند — کرد آن شهر را حصار کند

[illegible]

کر سلطان بخواب کافر شود — در جوانشی گناه [illegible]
کر ببیند کسی کسوف بخواب — یابد از [illegible] خصم عقاب
در خسوف و بخواب زلزله — شهر بر شور و خوف [illegible]
خواب بینی نتیجه قحطی و مرگ — دست دارد مردمان از برگ
[illegible] جنگ و صلح توپ و تفنگ — کر ببینی به خواب [illegible]
دیده برف از سما شود ظاهر — اندران سال [illegible] حاصل [illegible]
هر که در خواب [illegible] تصویر — عشق [illegible] زنجیر
مبتلا شود بعشق کسی — در خیالش [illegible] هوا [illegible]
هر که در خواب کار زری میکرد — پاک گردد ز رنج و محنت و درد
هر که در خواب [illegible] — یابد از [illegible]
آفتاب از مغرب شده طالع — هر که این خواب دید در واقع
صاحب الامر [illegible] — یابد از خواب خویشتن مقصود

[illegible] کشت رنج [illegible] — [illegible] رحمت [illegible]
هر که در خواب شد [illegible] — باشد [illegible] آشکار [illegible]
هر که او غسل کرد در حمام — پاک کرد [illegible] از [illegible]
[illegible] — دفع [illegible] شود [illegible]
هر که موی سیاه کرد سفید — [illegible]
هر که موی سفید کرد سیاه — گفت [illegible]
[illegible] محاسن اندر خواب — [illegible]
هر که شد طفل دید عمر دراز — [illegible]
[illegible] بخواب کرد [illegible] — [illegible]
پیر مردی که شد جوان در خواب — [illegible] تمام گشت الشباب
هر که در خواب دید بخت طعام — یابد از عمر [illegible]
[illegible] — [illegible]

[illegible]

گر نشست در خواب بر [illegible] — [illegible]
هر که دید [illegible] بنگ شراب — از بزرگان رسد برنج عقاب
خوردن شیر [illegible] در خوابش — هست تعبیر [illegible]
[illegible] کرم هست اگر هم — که ترا آید از [illegible]
[illegible] بخواب [illegible] — لذت عمر [illegible]
[illegible] — [illegible]
[illegible] — [illegible] کرد [illegible]
هر که [illegible] مرد و رفت بخاک — [illegible] کرد از [illegible] پاک
در دولت [illegible] کرد باز — [illegible] عمر دراز [illegible]
هر که او مرده [illegible] اندر خواب — غایبی آید [illegible] از اصحاب
[illegible] — تا از آن [illegible]
[illegible] — که بدست آید [illegible]

کشت از سردی گر خوری در خواب   مانع میراث باد افلاب
فش در خواب موجب نزلاست   پس زنا شیر باعث خطر است
بقول خوبش جیست مال است   نعمت هم زر است و اقبال است
هر که بیند که چشم او کنده   از خلایق به درویشی افکنده بود
هست موت محبت ایشان   موت او چه ز زیر چشم بدان
گر گناهی کند کسی در خواب   هست تعبیر او فعال ثواب
[illegible] بیدان   عمه و خاله ای بود ز میان
الف فرزند و لب [illegible]   این چنین گفته اند اهل بیان
عمه و خاله [illegible] است   دسته گر بریده [illegible] است
[illegible] ماران یاد   کو اگر قطع شد دندان [illegible]
هر که دندان خود ز بالا کند   [illegible]
هست دندان [illegible]   باهمه قوم و خویش او دیگر

شد محبت شکستن دندان   زعم و خال و ابن و هم اخوان
بدر و مادر و خفت هم باشد   بار مال است و جاه هم شر بد
هر که بیند بخواب [illegible]   از همه محنت و مصیبت است
گردن کسی اگر بخواب زدند   بر دلش مژده خواب زدند
ور کنند نعل بخواب بار شکم   راز او بر ملا فتد در دم
هر که نعل خانه کرد بخواب   مر او غیب شود بکار ثواب
هر که در خواب چه کند [illegible]   گر رسد چه با آب پس نیکوئیست
گر بخواب [illegible] شد [illegible]   روزی [illegible]
مصحف و [illegible] و منقبت [illegible]   گر کتابت کند بخواب [illegible]
هر که در خواب خورد چو سنگ   [illegible]
گر کند [illegible]   مرد عاشق شود [illegible] بلند
هر که [illegible] بخواب شد [illegible]   [illegible] از دل [illegible]

هر که در خواب دید [illegible] سفر جو   میکند خویش [illegible] از سر
هر که در خواب مال و زر یابد   مال کسی یابد و [illegible] یابد
هر که در خواب دید باغ بهشت   [illegible] عزت گشت
هر که در خواب [illegible] دید   یابد از خشم پادشه ترسید
گر رسد ملک کشور [illegible]   گر رود از [illegible] ملک کشور خوار
آتشی گر عظیم شد بیند   حاکمی ظالمی رسد [illegible]
هر که در خواب حشر و محشر دید   از معامله باید کسی [illegible]
هر که در خواب دید طوفان شد   عالم از موج آب [illegible]
پادشه [illegible] او شد [illegible]   انقلاب او شد [illegible] کشور
هر که در خواب بوسد [illegible]   شود ایمن ز فتنه و دشمن
هر که در مکه [illegible]   [illegible] کند [illegible] نظر [illegible]
تیغ فولاد پاک جوهر [illegible]   هست در خواب قوت و [illegible]

هر که دارد بدست تیر و کمان   از بلای قضا بود [illegible]
تیر در خواب قوت سخن است   [illegible]
[illegible] عالم خواب   [illegible]
[illegible] ز زبان [illegible]   گر کند [illegible]
جمله اسلاح جنگ اند [illegible]   [illegible]
[illegible]   در جهان [illegible]
[illegible]   [illegible]
خان و سلطان [illegible] اند خواب   [illegible] مال و حشمت و اسباب
[illegible] اند خواب   گر [illegible] بخواب [illegible]
[illegible]   تا نباید [illegible] خطر است
[illegible] در خواب   [illegible] فتنه [illegible] عقاب

[illegible]

صورت ستار بعالم بخواب — گر نماید نکو بست درهم باب
صورت شاهان و درویشان — بس مبارک بود بخواب بدان
شیخ الاسلام و قاضی اندر خواب — گر ببینی نکو بست درهم باب
صورت حافظان نیکو — گر نماید بخواب از هم ...
هست در خواب کثرت بازار — بسکه او محنت و آزار ...
اهل بازار را بخواب آید — محنت و تفرقه بیفزاید
هر که بیند بخواب جزع بسی — غالب آید بلشکر دشمن
گر ببیند بخواب کسی الماس — هست علم و حکمت ...
گوهر با کرامت بخواب آید — ...
گر ببینی بخواب جمع جوانان — ...
شیر و ببر و پلنگ دشمن ... — گرگ با ...
گربه باشد منافق و مکار — گر ببینی بخواب ... شیر ...

گر ببینی بخواب ارنب ... — وز ... خلاف مذهب ...
... باشد ... — باز چون گرگ و موش ...
هست روبه عدو ... — جو ... لاک ... محنت
مار و کژدم بخواب زر باشد — دایم از مال ... در باشد
ملخ و پشه ... باشد — لشکر خصم دان ...
هر که در خواب ... — پادشاهی ... و ...
هر که بر گردنش سوار شود — دشمن از دست او ...
اسب ... بخواب دولت دان — اسب ابلق بخواب محنت دان
گر ... اندر خواب — ... و عشرت ...
هر که ... بخواب او ... — بایدش از حرام زاده ...
گاو اگر سرخ یا سیاه بود — دولت و مال و ... جاه بود
گاو زرد ... بخواب ... — ... و ... نکبت

بر شتر گر کسی سوار شود — در غم و محنت و ... شود
گردن اشتر است اول عمر — ... عمر
گر ... شتر ... — آخر عمر ... بینی
خوک و ... بخواب ... — ...
گر ببینی منافق و میمون — گر ... شود ... محنت ... افزون
گر بیابد بخواب کس ... — ... مال و نعمت و ...
گر ببینی بخواب مرغ و ... — ... و طوطی و طاوس
عقل و ادراک او بیفزاید — ...
هر کسی ... بخواب ... — ... از خلق ...
گر و ... کسی ... در خواب — ... و آن ...
نیک باشد ... اندر خواب — ...
مرغ و ... بخواب ... — آهو ... بخواب مطلوب ...

بزکوهی و ... بخواب — ... و ... خواب
... عقرب ... — ... اسباب
گر ببینی بخواب ... — ... از محنت و ... گرفتار ...
گر ... بال — ... گر شود با ... خدا
هر که از ... — از ... مال ... ناز ...
منصب و جاه و سلطنت ... — از کسان لطف و مرحمت ...
هر که ... — ... که ... زر ...
جامه سرخ اگر ... — هست تعبیر ... و ...
جامه سبز دولت ... — ... در ... روح ...
هر که پوشید او سفید قبا — اهل ... شود با ...
جامه ... و رنج و بیمار ... — ... محنت ... افکار ...
... آمدش مهمان — ... و ...

ریسمان بازی گر کسی در خواب — عالم حکمت بخواند او ز کتاب
هر که فرق خویش را دانست باز — گردد کش مال و جاه [illegible]
هر که در خواب دید لحیه کند ز[illegible] — از غم و اندوه بیابد [illegible]
هر که در خواب بست [illegible] — [illegible] کسب نی جوا[illegible]
هر که بیند که او شبانی کرد — عیش در شهر و زن [illegible] کرد
ساربانی مثل محنت داد — کسب صبا [illegible] دان
هر که در خواب دید روغن خورد — دفع چشم حسود [illegible] کرد
گر کسی رشته ریسمان در خواب — [illegible] مسافر شد [illegible] شتاب
هر که بیند که روزه داشت بخواب — در رخش دل گشوده با [illegible]
هر که بیند که در نماز بود [illegible] — در دولت بر روش باز [illegible]
بشود [illegible] شهر و شهر — هر کجا در رفت بر [illegible]
هر که در خواب داد [illegible] — یابد از [illegible]

[illegible]

پوست از پا کشور لکفش بخواب — زن که [illegible] از طریق [illegible]
هر که در دست داشت انگشتر — هم شریعت [illegible]
عیش و عشرت بخواب غنچه دان — مانند غنچه بخواب [illegible] دان
خنده در خواب اندوهست و ملال — جهت آن [illegible] حال
گریه کردن بخواب خوشی حالیست — یا بخت جاه و منصب عالیست
هر که در خنده و جراحت اندر خواب — فرش و آلوده [illegible] باب
در بیابان چه فرق گردد کس — میشود مبتلای [illegible]
هر که در وافعه بیا بخت [illegible] — گر برود ز غم شود افکار [illegible]
هر که بیند که خانه تار [illegible] — بغم و ظلم دل فکار شود [illegible]
خانه تار گر بیدار [illegible] — مرد از شادیست دل [illegible]
هر که دارد چراغ شمع بکف — یا [illegible] کرده کار عز و شرف
هر که در خواب رخت [illegible] — آتشی [illegible] افزون [illegible]

هر که پوشد بخواب رخت و لباس — شود کش قطع [illegible]
گر درافتد بر رخت کس آتش — جهت بهانه [illegible] سرکشی
هر که هست او شد بعالم خواب — میکند کار [illegible] صواب
زرف روزیش [illegible] — از جفای جهان [illegible]
هر که در خواب کرد [illegible] — با همه [illegible]
منت و مفلسیش افزا [illegible] — هر [illegible]
هر که سرافکنی [illegible] — نبود جز [illegible]
هر که در خواب [illegible] — شود از [illegible]
یابد از شهر [illegible] — هر [illegible]
کسب عطار [illegible] در خواب — جهت [illegible] صواب
گر که کسب [illegible] — [illegible]
هر که در خواب گشت [illegible] — [illegible]

در جهان

در جهان صاحب صلاح شود — باز از [illegible] صلاح شود
لشکر گر کسی شود در خواب — [illegible]
عزت از [illegible] اهل سلطنت [illegible] — [illegible] معرفت [illegible]
جهت انواع عیش و خوش حالی — هر که [illegible] کرد [illegible]
هر که بیند دکان [illegible] — [illegible] عزت و شادی
هر که دهقان شد بخواب [illegible] — جهت [illegible]
هر که [illegible] شد [illegible] کاریست — [illegible] محنت و دل افکاریست
کسب [illegible] محنت [illegible] — [illegible]
کسب [illegible] در خواب — یابد [illegible] رنج و محنت [illegible]
هر که در خواب [illegible] — میشود از [illegible]
[illegible] — [illegible]
[illegible] الله در خواب — [illegible] صواب

لب بسر آخی کر کسی بید   با طرب درد بطا شیند [illegible]

لب خرابطال آن مشیت دنم   باعث زر و خون و رنج و الم

هر که بیند بخواب میوه فروش   ...فزاید ادراک و هوش

لب طوائی کرید به ... [illegible]   هست تغیر ... بس خطور

لب بسر ری فروش ... [illegible]   هست اسباب ... بسیار

کر بود اهل فروش کرد ...   هست ... و عمارت و ...

هر که بخواب کاو قصابی ...   در ... خون ... مرگ ... بی

هر که بیند جمع ... ساوش   شود ... طرب ... افزون

هر که طباخ گشت ... طعام   ... کار ... روزه ... کام

هر که حلوا پز ... در خواب   ... اسباب ... عذاب

شعبده از ... بجا ... باوه   ... وجاه ... اسعد

هر که بیند بخواب قند و نبات   یابد از ... زمانه ... ثبات

[illegible]

جا با ... و جوب ... زرد ...   کردنش بخواب ... سرد مرد

هست تغیر خواب ... نیکو   ... ارباب معرفت ... رو

سه ... بچار وار ... با ...   هست در خواب عیش و ... در

هر که در ... زرد ... شمس   ... هیچ کس ... ر

هر که در ... او شر ... کند   بار ... خاصیتش ... کند

گر ... بخواب میو ... نیست   از جفا ... سرور ... نیست

چه چه بلبل و گل ... را   گر ... بخواب ... بسیار

هست تغیر خواب عیش و طرب   گردد افزون کمال و علم و ادب

... بخواب ... کرت   صاحب ... می شود ... ت

هر که ... بخواب دریا ... ر   کشتی و موج و ... ملاح ...

گرد کاش ... ... کند   مال و اموال ... و ...

هر که ... به بحر ... رفت فرد   پس ازکجا ... در ... ولد

صاحب علم و کیمیا گفته ...   بی نیاز طلا عیا کرده ...

هر که دهر ... در قفس بشکست   ... شود رتبه ... بست

گر خود از آب ... سرون ...   از غم روزگار ... نا شد

هر که ... تو شیع داشت ...   هر که خاموش شد گشت ...

از ... ... بماند ... ر ...   هر که ... شود ... نه

هر که بیند میان شهر افتاد   ... اسباب ... بر باد

دیدن ... اگر ... بخواب   صاحب ... شود ...

هر که بیند بخواب فصل بهار   ... عمر ... بر خور دار

فصل ... فرست ... نشاط   ... و ... ... طرب ...

پس زمستان ... ...   هر که ... بخواب ...

هر که ... و زن کرد ...   عاجز ... اهل ... کرده

هر که زن ... مرد گشت ...   شود از ... ...

هر که ...

هر که در خواب ... کرد ...   ... احباب معتبر کرد ...

هر که میزان بخواب ... شکست   ... شود رتبه ... بست

هر که در خواب ... زاد ...   ... باید از ... کبیر

هر که در خواب در ... شکست   فارغ از رنج و محنت ... است

هر که در خواب کرد ...   یافت از ... شکیبات

هر که ... گشت ...   یافت اسباب حشمت ...

هر که ... عیان ...   ... اشکار ... نهان

هر که بیند بخواب برج حمل   یابدش ... دنیا ...

برج ثور ... بخواب ...   ... از کار ... بکشید

برج جوزا اگر ... باز   ... دراز

سرطان هم بخواب ...   اسد و سنبله ... ...

برج میزان بخواب ...   قوت ... و نصرت و ... است

عقربست از خواب نما به | قوت و عشرتست چون [illegible]
قوس در خواب قوت [illegible] | جدی نحوست از بود بما [illegible]
دلو سر [illegible] نکبت بنو آرد | بلکه مصیبت بسیار کام [illegible]
حوت سازد مجاورت بوطن | بهمت یار [illegible]
چو که دید خواب گشت در واقع | [illegible] شر او شود دافع
صدقه از بهر دفع بلا است | سبب رستگاری [illegible] است

[illegible] این نوشتم از بهر [illegible]
[illegible]
[illegible] یادگار
۱۲۲۴

[illegible] قول [illegible] | [illegible]
[illegible] خواب دافع تقدیر | [illegible]
[illegible] | [illegible] باشد

[illegible]

تعبیر خواب منسوب است از ملا [illegible] و از خط مبارک او [illegible]
[illegible] عبد [illegible] رساله [illegible] و از خط شیخ شهید [illegible] و از خط
شیخ ابن بابویه القمی [illegible] امام جعفر صادق علیه السلام نقل نموده

واقعه ——— [illegible]
۳۰۹ ۳۲

واقعه ——— در [illegible]
۷۳

واقعه ——— [illegible]
۱۰۱۱۰۱۲ ۲۱ ۲۰ ۲ ۲۹۲

واقعه ——— [illegible] در [illegible]
۱۳۲۱۵۱۱

واقعه ——— [illegible]
۲۳۳۲ ۲۳

واقعه ——— [illegible]
۲۹۲۷ ۹ ۱۹۱۸۹

[illegible]

[illegible]

بسم الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
الحمد لله الذی جعل [illegible]
[illegible] وصلی الله علی سیدنا محمد و آله [illegible]
اما بعد

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible] تو نویسند

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

روزی [illegible] کردم هلاک از این بیش خواهم از آن در شکم [illegible]

صلاح پوشیدن عمر عبدود و ضحاک سار و سوار شدن گرفته به کف تیغ [illegible] فرود

شد از برق شمشیر روشن زمین آن نابکار و کندن ز خندق و آمدن [illegible]

بر لشکر اسلام احمد مختار چو آمد به میدان چو افراسیاب سر شیر مردان در آمد ز خواب

نقیبان او زین ره نیت سرکش نهادند تنش کشیدن [illegible] فکندند لرزه بر ستون بر سمند

بر و خیمه [illegible] بلند پس از جان برخاست چون [illegible] همت بجا رسید برجا [illegible]

برآراست تن [illegible] زره پوشش گرد [illegible] کوه [illegible] کله خود [illegible]

یکی گرز آراست بر کوهسار کمر بست [illegible] یکی ترکش آویخت [illegible]

نمودار [illegible] ترکش بر میان که بر [illegible] کوه [illegible] کمانها [illegible]

چو گشتی [illegible] دریا [illegible] کمندی بیازو [illegible] فزون شده [illegible]

وز آن [illegible] حمایل بیفکند شمشیر کین [illegible]

رگ کان الماس کوهسار سپر بست بر [illegible] جنگی [illegible] کتف بست [illegible]

برآراست خود [illegible] ز کر [illegible] [illegible]

کشیده [illegible] چو شیر [illegible] [illegible]

[illegible]

چو شمشیر [illegible] برش [illegible] یکی نیزه بگرفت [illegible] بلند

در آغوش ستون فلک [illegible] عمد [illegible] زین [illegible] چو کوهی که [illegible] پهلوی کوه

برانگیخت چون [illegible] دمیدند دم در دم [illegible] چکاچاک [illegible]

که در گنبد [illegible] [illegible]

بجنبید [illegible] [illegible]

ز روی زمین [illegible] [illegible]

هوا تار شد چون شب لاجورد [illegible]

پیکانه [illegible] ختم شد [illegible]

این رساله [illegible] میرزا [illegible]

بتاریخ [illegible] ۱۲۳۴

۱۲۳۹

۱۲۴۶

متولد شدن میرزا اسد الله [illegible] رمضان المبارک

تولد شدن میرزا جان [illegible]

[illegible]

باب در احکام تعبیر خواب نامه

از حضرت ائمه معصومین منقول است که هرگاه کسی خوابی ببیند و تعبیر آن خواهد باید که بداند از ماه چند گذشته باشد [illegible] هر شبی [illegible] چند شب [illegible] بعوض هر شب از سورهٔ قرآن [illegible] به حساب اعداد شب [illegible] سوره [illegible] آیه [illegible] آخر [illegible] موافق [illegible] حضرت ائمه معصومین [illegible] منقول است که آیه [illegible] و تعبیر خواب [illegible] جمیع مومنین [illegible] اگر در شب اول ماه دیده باشد [illegible] سورهٔ اول قرآن [illegible] سورهٔ فاتحة الکتاب و آیه اول که بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] این آیه [illegible] شب اول ماه [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

روایت کرده اند که شفیع المذنبین و تاج فخر عالمین محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم جبرئیل را سلام کرد و گفت ای برادر بعد از من چند بار دیگر به دنیا می آئی آن [illegible] حضرت رب العالمین گفت ده بار دیگر به دنیا می آیم و اول مرتبه برکت از دنیا بردارم دوم مرتبه رحم از دلهای خلقان بردارم

سیم مرتبه شرم از زنان بردارم چهارم مرتبه که دوستی از میان خلقان بردارم پنجم مرتبه که صبر از درویشان بردارم ششم مرتبه که سخاوت از توانگران بردارم هفتم مرتبه که عدل از دلهای پادشاهان بردارم هشتم مرتبه که علم از عالمان بردارم نهم مرتبه که صحف را بردارم دهم مرتبه که ایمان از دلهای خلقان بردارم و بعد از آن حق تعالی بفرماید ملک الموت را که دست راست بهفتم آسمان دراز کند و دست چپ را بهفتم زمین دراز کند و جمیع جانداران را به یکبار جان بستاند آنگاه ملک الموت را [illegible] بفرماید که جان خود را خود بستاند و ستارگان آسمان فرو ریزند و آفتاب جهانتاب سیاه شود و آب دریا بالا آید و اسرافیل صور بدمد و حشر و نشر شود و ترازوی اعمال را در میان آسمان و زمین معلق بیاویزند و صلا بزنند که [illegible] ترازو [illegible] که فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره و من یعمل مثقال ذرة شرا یره و گناهان و ثوابها را به ترازو ببرند اگر نیکی بیشتر است دفتر اعمال را بدست راست دهند و اگر گناه بیشتر است دفتر اعمال را بدست چپ دهند تا عمل خود را بخوانند [illegible] بر سر [illegible]

کشیده اند و آن پل صراط سه هزار سال راه است از شمشیر تیزتر
باریک‌تر و از الماس تیزتر است و از موی باریک‌تر است آنکه بهشتی را
به بهشت برند و اهل دوزخ را به دوزخ برند و اهل قیامت را در آرند کا
فران را بی حساب به دوزخ برند و منافقان و یهود و ترسا به جهنم
برند و قوم مسلمانان که ایمان آورده را باشند و خداشناس شده باشند و دین
طریق گرفته باشند بی حساب به بهشت برند و پیغمبران هر یکی کار ترسان
و لرزان دار نفسی نفسی گویند و ظالمان گویند و احسرتاه و تمنا
گویند طاعت آنکه فرمان الهی در رسید که ای فرشتگان آسمان ایشان
را شفاعت کنند آنچه کرده باشند فرشتگان پرسند که در دنیا برای
آخرت چه آورده اید و خدای تعالی شما را به لذت دنیا فرستاده که متاع
خوب خرید و از برای آخرت آورده اید ایشان از شرمندگی جواب
ندهند گویند یاد نداریم که عمر خود را بیهوده بگذرانیدیم تا با آخرت رسیدیم
اکنون پشیمان شدیم و فرمان الهی نبردیم و فرمان ابلیس برده ایم دام
الهی در رسید که ای فرشتگان هر کسی که شرایط توبه نکند ایشان را

عذاب

عذاب نمی‌کنند و آنها که بی توبه مرده اند ایشان را به دوزخ برید و عذاب کنید تا
کون بر سر ایشان زنند و ماران و کژدمان بر سر ایشان مسلط گردانید
که بدانند کتابهای من حق بوده اند و پیغمبران من حق بوده اند و دیگر آنکه پدر و مادر
رنجیده باشند و فرمان برداری ایشان نکرده اند به دوزخ برید از خاتون
قیامت در دشت قیامت در آید و گوید ای پدر بزرگوار این زنان را عریان و گریان
ایستاده اند ایشان را شفاعت کن و بمن ده رسول خدا گوید که ای دختر مهربان
من چه کنم ایشان را بپرسم که در دنیا چه کرده اند که بدین نوع عذاب گرفتار شده اند
و گروه زنان به بیند که بصورت سگان باشند و آتش در دهان ایشان فرو رفته
و فرشتگان گرز آتشین بر سر ایشان زنند فاطمه گوید ای پدر بزرگوار این زنان
چه گناه کرده اند که چندین عذاب گرفتار شده اند فاطمه پرسید که ای عورتان چه گناه
کرده اید که بدین نوع عذاب بر شما نازل شده است ایشان گویند که یا فاطمه
زهرا ما در دنیا فرمان برداری شوهر خود را نکرده ایم و خود را امر ایستیم و از
نامحرم خود را نپوشیدیم بعضی گویند که ما در غسل جنابت کاهلی کرده ایم و بعضی
گویند که ما در کاهلی نماز کرده ایم و جامه خود را ناپاک داشتیم لاجرم در عذاب

گرفتار شدیم فاطمه زهرا گوید یا پدر بزرگوار ایشان را شفاعت کن و بمن ده
ندا در رسید که یا محمد اگر زنان با توبه و شهادت مرده باشند ایشان را
بتو دادم تو بفاطمه ده فلا تموتن الا و انتم مسلمون و اگر ایشان بی
توبه و شهادت مرده باشند یا محمد ایشان را شفاعت مکن که شفاعت
تو ایشان را از عذاب خلاص نخواهم کرد فاطمه گوید ای پدر بزرگوار در
آخر الزمان من عجب چیز بدیدم در میان زنان زنی را دیدم که بصورت
خوک و پایهای او را بدلت ماران و کژدمان بکرد او گرد می‌گردیدند مرا از آن
خبر ده که این در دنیا چه کرده اند که بدترین صورت پدید آمده است حضرت
پیغمبر گوید ای فاطمه این زنان در دنیا دروغ گو و سخن چین بوده و در
میان مردم فتنه انگیزی می‌کرد و همسایه را برنجانیدند و زبان درازی می‌کرد و شوهر
خود را به شوهر اهل همسایه عیب است و حضرت پیغمبر از جبرئیل پرسید که یا اخی
بیان کن که جهنم چه است جبرئیل گوید یا آن خدای تعالی ایشان خلقان
فرستاده است که اگر اندک گوهر دوزخ بر زمین افتد جمله خلقان
اولین و آخرین و هر چه در جهان باشند جمله بسوزند که اگر آن حلقه

که دوزخیان

که دوزخیان در بیرون افکنده اند که اگر از آن حلقه یکی در زمین افتد چه در
زمین باشند همه بمیرند اگر از آن آب که دوزخیان را دهند اگر یک قطره بر زمین افتد
تمام آبها تلخ گردد و اگر از آن جامه که دوزخیان را می‌پوشند یکی از آن جامه
در میان آسمان و زمین معلق بیاویزند تمام خلایق از بوی آن جامه بمیرند
یا محمد حق تعالی دوزخ را بیافرید هفت طبقه تا طبقه دیگر پانصد سال راه است
اولین را جهنم گویند دوم را جهیم گویند سیم را لظی گویند چهارم را
حطمه گویند پنجم را سعیر گویند ششم را سقر گویند هفتم را هاویه گویند
جبرئیل گوید یا محمد رسول خدای تعالی دوزخ را بیافرید هزار سال بتابانید
تا سرخ شد و هزار دیگر می‌آید دوزخ سیاه و تاریک‌تر می‌شود و از خشم
خدای تعالی هر چند فرزند آدم گناه بیشتر کند خدای تعالی خشم را در دوزخ افکند
در قیامت گناه کاران را در میان خشم اندازد و دوزخ از خشم خدای تعالی
سیاه و تاریک‌تر می‌شود و محمد مصطفی گوید یا جبرئیل در دوزخ کدام طایفه اند
جبرئیل گوید یا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم زندیقه ابلیس و قوم او باشند اندر
سوم مشرکان باشند اندر لظی جهودان باشند اندر حطمه گبران باشند

داند رستم منافقان باشند و از رجیم جن واصل باشند جبرئیل حاضر

از جناب محمد مصطفی صلی الله علیه و آله

سؤال

سؤال

این نوشتم از برای روزگار

من نمانم خط بماند یادگار

اگر روزی حوال من کی خواند

بداند کین جهان باکس نماند

خط من

حکیم لا علاج هوشتم

بر آن که دیدم

تا یادگار بلند

تا بهر بلند یادگار ... دوستم

سوره مبارکه ... علیه السلام ... باشند